

شهریور 1392

## مبالت

هامون

ایچیموکو

## قیمت، امواج و زمان

[boursebazan.ir](http://boursebazan.ir)



abcBourse.ir



@abcBourse\_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

اغلب منابع فارسی و انگلیسی فقط به معرفی میانگین های ایچی پرداختند. در منابع فارسی فقط کریس کمی درباره ابعاد زمانی بحث کرده و در منابع انگلیسی هم یک متن فقط به ابعاد زمانی و نظریه امواج در ایچی اشاره کرده. با اینکه حتی یک حرف ژاپنی بلد نیستم منابع ژاپنی زیادی دیدم! و سعی می کنم در این تایپیک ابعاد مغفول ایچی رو کمی توضیح بدم و البته محلی باشه اگر افراد دیگری درباره ایچی بیشتر می دونند نظر بدهند. بعلاوه، خودم هم تکنیک هایی دارم که سعی می کنم اینجا معرفی کنم تا درباره اون بحث کنیم .

فعلا این فهرست رو در نظر دارم

-ساختار و سیگنال های ایچیموکو

-نظریه امواج

-نظریه زمان + کیهون سوشی

-افزوده های خودم

## ساختار و سیگنال های ایچیموکو (1)

برنج برای ژاپن تا جنگ جهانی دوم مثل نفت برای ما ایرانی ها بود. بنابراین برای اینکه وضعیت پیش بینی پذیری از فروش برنج داشته باشند Goichi Hosoda این سیستم معاملاتی رو ابداع کرد. اولین نکته که باید توجه کرد اینه که ایچیموکو یک سیستم معاملاتی است. یعنی همه عناصر رو در درون خودش داره. بنابراین نه به عنوان اندیکاتور بلکه باید به عنوان یک نظام در نظر گرفته بشه. به همین دلیل اگر اجزای مختلف این نظام رو در نظر بگیریم سیستم ما با اشکال همراهه. در پست اول درباره مغفول ماندن نظریه امواج و نظریه زمان گفتم. نکته بعدی اینه که ایچیموکو بر مبنای K-line یا همون کندل استیک یا شمع های ژاپنی هست .

ایچیموکو رو با مسامحه می شه به معنای توزان نیروها در یک نگاه دونست. ادعایی که داره اینه که می شه از بالا به چارت نگاه کرد و بر فراز آسمان به رفتار فروشندگان و خریدارن خیره شد و آینده رو دید. البته اغراق می کنه!

ساختار ایچی

ایچی از 5 عنصر تشکیل شده:

تنکسن (میانگین 9 روزه)

$$H(9) + L(9) \div 2$$

کیجنسن (میانگین 26 روزه)

$$\{H(26) + L(26)\} \div 2$$

اسپن ای (میانگین تنکسن و کیجنسن که 26 دوره به جلو شیفت داده شده)

$$TS + KS) / 2$$

اسپن بی (میانگین 52 روزه که 26 دوره به جلو شیفت داده شده)

$$\{H(52) + L(52)\} \div 2$$

چیکو اسپن (قیمت پایانی که 26 دوره به عقب شیف داده شده)



## ساختار و سیگنال های ایچیموکو (2)

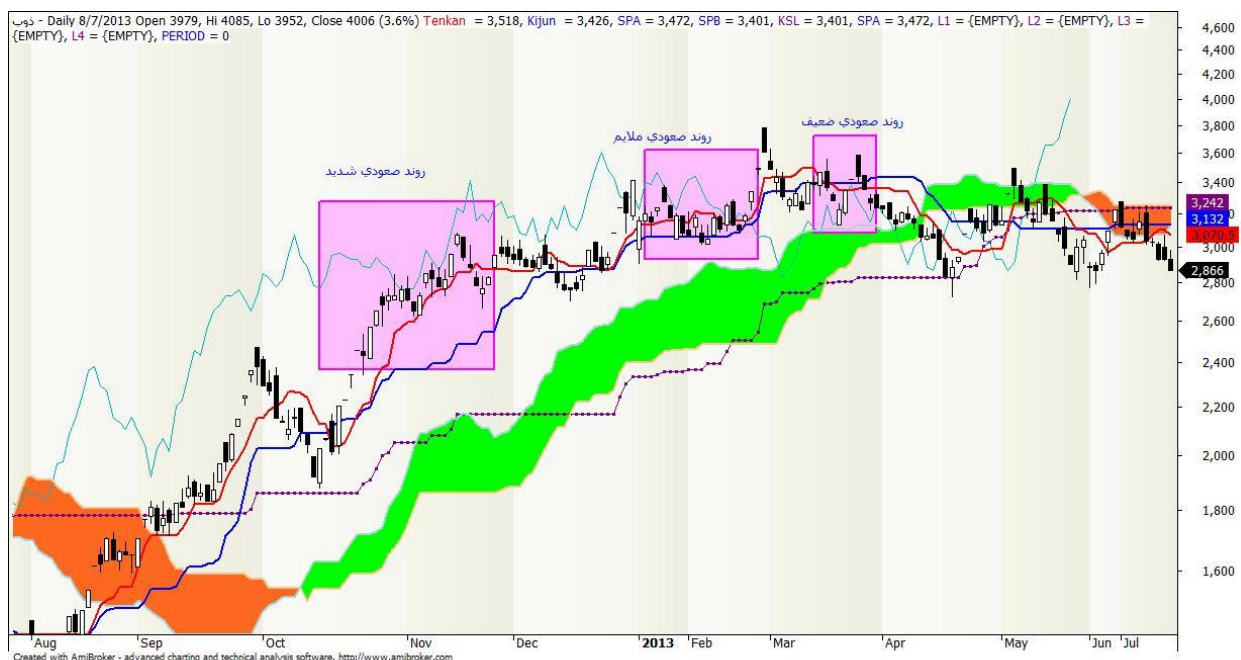
اولین مزیتی که ایچی داره اینه که می شه «در یک نگاه» روند رو تشخیص داد. ابتدا این رو روشن کنیم که همه تلاش ما روی چارت در درجه اول اینه که ببینیم روند ما صعودی یا نزولیه. یعنی هدف اصلی شناخت رفیق یعنی تشخیص رونده (ترند ایز یور فرند!). وقتی این رفیق رو شناختیم می تونیم ببینیم در مدار و آداب ما هست یا نیست و قابل همراهی هست یا نه؟

می دونیم سه نوع روند داریم: روند صعودی، روند نزولی و روند خنثی

روند صعودی:

- کندل ها بالای تکنسن + تکنسن بالای کیجنسن + کیجنسن بالای کومو + کومو صعودی + چیکو بالای 26 کندل قبلی (روند کوتاه مدت - میان مدت و بلند مدت صعودی + شدت روند)

-کومو صعودی + کندل ها بالای کومو + کیجنسن و تنکنسن بالای کومو + کندل ها بالای کیجنسن (روند میان مدت و بلند مدت صعودی + روند ملایم)  
 -کومو صعودی + کندل ها بالای کومو + کیجنسن و تنکنسن بالای کومو (بلندمدت صعودی + روند ضعیف)



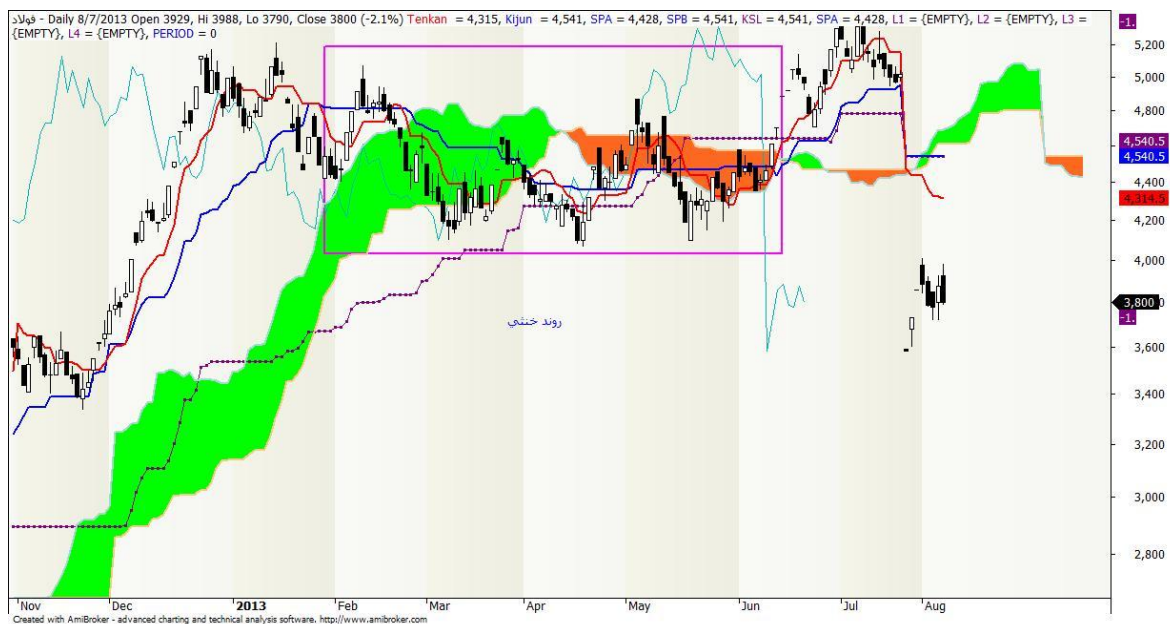
روند نزولی:

کندل ها زیر تنکنسن + تنکنسن زیر کیجنسن + کیجنسن زیر کومو + کومو نزولی + چیکو زیر 26 کندل قبلی (روند کوتاه مدت - میان مدت و بلند مدت نزولی + شدت روند)  
 کومو نزولی + کندل ها زیر کومو + کیجنسن و تنکنسن زیر کومو + کندل ها زیر کیجنسن (روند میان مدت و بلند مدت نزولی + روند ملایم)  
 کوموی نزولی + کندل ها زیر کومو + کیجنسن و تنکنسن زیر کومو (بلندمدت نزولی + روند ضعیف)



### روند خنثی:

در روند خنثی این عناصر هر کدام یک طرف می روند. مثلا تکنس می ره بالای کومو کندل ها بطرف پایین می رن یا دائم شاهد چرخش کومو هستیم (یعنی کومو نزولی به صعودی تبدیل می شه یا برعکس) و .... مهمترین ویژگی روند خنثی اینه که کومو باریکه و کندل ها به بالا و پایین حرکت می کنند. یعنی وارد کومو می شوند بالا می روند و پایین می آیند و خلاصه کندل های بازی می کنند. در روند خنثی معمولا سیگنال ها اهمیت ندارند و بقول موسیقدان ها دائم فالش داریم.



(کومو صعودی = اسپن ای بزرگتر از اسپن بی و اغلب به رنگ سبز نمایش داده می شه)  
 کوموی نزولی = اسپن ای کوچکتر از اسپن بی و اغلب به رنگ قرمز یا نارنجی نمایش داده می  
 شه)

تذکر:

هیچ چیز بیش از خود چارت و کندل ها بهتر نمی تونن روند رو به ما نشون بدهند. خود من بیش  
 از اینکه به تعریف روند ایچی توجه کنم این تعریف روند رو برای روند صعودی و نزولی می پسندم:  
 روند صعودی روندیه که (صرفا) کف ها یکی بعد از دیگری بالاتر از کف های قبلی باشند.  
 روند نزولی روندیه که (صرفا) سقف ها یکی پس از دیگر کوتاه تر از سقف های قبلی باشند.

نکته بعدی، ممکنه روندی صعودی باشه ولی کندل ها حرکتی داشته باشند که معنای رپورسال  
 بدهند. بنابراین چه در ایچی و چه در هر سیستم و اندیکاتوری دل به سیگنال های آماری و  
 ریاضی ندهید و قبل از همه به خود کندل ها توجه داشته باشید.



## ساختار و سیگنال های ایچیموکو (3)

### حمایت و مقاومت در ایچی

بدون تردید یکی از بهترین کاربردهای ایچی استفاده از عناصر مختلف برای شناخت نقاط حمایت و مقاومت (ح/م). هر کدام از این عناصر عملاً به ما ح/م رو بخوبی نشون می دهند و می توانیم از اونها برای تعیین مقدار نزول و صعود یا حتی حد ضرر استفاده کنیم. در پست بعدی خواهیم گفت که این عناصر حتی می تونند خبر از ریورس بدهند .

میانگین های ایچی چون در واقع 50 درصد از فاصله کف و سقف در یک دوره مشخصی هستند در واقع یادآور نظریه داو (اصلاح 50 درصد حرکت ها) و 50 درصد فیبو هستند. علاوه بر این ایده ای از پیوت در زمانی در این میانگین ها می شه سراغ گرفت. می دونیم پیوت پوینت ها رو بر اساس های و لو کندل قبلی محاسبه می کنند. اینجا ما در واقع پیوت در یک دوره مشخص رو داریم. یعنی حد تعادلی هستند که انتظار داریم این حدود در روندها به عنوان ح/م عمل کنند. بنابراین بر خلاف میانگین متحرک هستند و میل به تعیین نقاط مهمی برای توقف کندل ها دارند. به مفهوم 50 درصد خوب فکر کنید نتایج خوبی می گیرید.

- در یک روند کاملاً صعودی/ نزولی اولین حمایت/مقاومت ما تکنسن است. تکنسن ح/م کوتاه مدتی و می تونه به عنوان یک حد ضرر مخصوصاً در بازارهای عمیق بکار بره.  
- دومین ح/م کیچنسنه. با توجه به دوره 26 کندلی کیچنسنه این ح/م باید جدی گرفته بشه .  
- چیکو هم می تونه ح/م رو برای ما تشخیص بده. معمولاً انتظار داریم در برخورد چیکو با کندل ها (از بالا یا پایین)، کندل ها به عنوان ح/م عمل کنند. یعنی کندل ها صرف نظر از اینکه سقف یا کف هستند معمولاً در اولین برخورد چیکو حمایت یا مقاومت می کنند .  
- چهارمین ح/م ما کومو است. کومو ها معمولاً حمایت /مقاومت سختی هستند و عبور کندل ها از کومو می تونه نوید اخبار خوب یا بدی رو بده .  
- پس به ترتیب تکنسن ح/م صعیفه، کیچنسن ح/م قابل توجه و کومو ح/م قوی است. چیزی که باعث می شه این سه عنصر اهمیت بیشتری پیدا کنند شکل اینها است. هر کدام از این سه عنصر اگر امتداد بیشتری داشته باشند و در یک قیمت بصورت فلت ادامه یافته باشند قدرت بیشتری خواهند داشت. مثلاً کیچنسنی که (برای مثال) برای مدت 20 کندل ثابت بوده و بصورت



یک خط راست ادامه داشته اهمیت بیشتری از کیجنسنی داره که مورب است یا حتی دوره کمتری بصورت فلت درآمده .

-بعلاوه همراستایی این عناصر و همسایگی اونها هم مهمه. مثلا وقتی کیجنسن و تکنسن و کومو در یک نقطه یا به فاصله خیلی کمی از هم قرار دارند منطقه مقاومتی/حمایتی بسیار قوی هست. وقتی کندل ها بتونند از این منطقه خلاص شوند انتظار حرکت شدیدی خواهیم داشت .  
-همچنین نوع کومو هم مهمه. کوموی ضخیم یعنی کومویی که حد فاصل دو اسپن فضای زیادی داره ح/م بسیار قوی است و برعکس کوموی باریک بسرعت شکسته می شه .  
درباره چیکو هم این نکته مهمه که با چه کندی برخورد می کنه. کندلی که شادوی بلندی داره معمولا بدنه کندل نقش حمایتی داره و روی شادو خیلی نمی شه حساب کرد.

TIP

-سعی کنید همیشه یک تایم بالاتر از تایم معاملاتی نقاط حمایتی و مقاومتی رو پیدا کنید. مثلا در تایم روزانه سعی کنید به محل تکنسن یا کیجن و... نگاه کنید.

-نکته ای که خودم اضافه می کنم و در چارت ها بیشتر دیدم چیزیه که «حدود اسپن ای» نامیدم و در این تایپیک (<http://boursebazan.ir/showthread.php?t=762>) مفصل درباره اون بحث کردم. در قله ها یا کف ها وقتی کندل ها تغییر مسیر می دهند و ریورس رخ می ده اغلب اوقات اسپن ای به عنوان منطقه حمایتی یا مقاومتی عمل می کنه و می شه از این برخورد نتیجه گرفت که ریورس ما قطعی یا نه فقط یک اصلاح موقته. اسپن ای در واقع حد وسط تکنسن و کیجنسنه. نکته جالب اینه که اغلب اوقات ریورس در نقطه ای رخ می ده که رابطه معناداری با فاصله بین قله/کف با حدود اسپن ای دارند (بعد توضیح خواهم داد).

-هر برخورد کندل ها با این عناصر یا حتی عبور از اونها به معنای شکست ح/م نیست. همون تعریفی که برای بریک اوت در نظر دارید رو اینجا هم بکار ببرید. تعریفی که من استفاده می کنم اگر بعد از شکست این حدود، سه کندل بعدی هیچ کدام میل بازگشتی نداشتند (در روند صعودی، کندل ها نزولی نبودند یا شادوی بلند مخصوصا بالای کندل نداشتند و برعکس) می تونیم بریک اوت رو تایید شده بدونیم.



## ساختار و سیگنال های ایچیموکو (4)

### سیگنال های ایچی

بسیاری از ما انواع سیستم ها و اندی ها رو بررسی می کنیم تا به ما سیگنال خرید و فروش بدهند. مثلا اگر دو میانگین کوتاه مدت و بلند مدت روی چارت بیندازیم معمولا با عبور کوتاه مدت از بلندمدت بطرف بالا سیگنال خرید و با کراس رو به پایین سیگنال فروش می گیریم. نکته جالب اینه که در بازار ایران این جنبه ی تحلیل تکنیکال بیش از همه طرفدار داره و همه می خواهیم امروز بخریم و با کمترین خواب سرمایه از فردا هر روز روند مثبت داشته باشیم. برای این نوع از «تحلیل تکنیکال» هم انواعی از اصطلاحات و کلمات رو بکار می بریم و ...

در ایچیموکو هم می تونیم از این نوع سیگنال ها پیدا کنیم. کراس هایی وجود داره که این کراس ها رو در دو دسته سیگنال قوی و ضعیف قرار می دیم. اما همین ابتدا تذکر بدم که مثل همه انواع سیگنال ها، سیگنال های ایچی هم تاخیر داره. یعنی وقتی سیگنال صادر می شه که یا بخشی از راه رفته شده و یا امکان خرید وجود نداره. بنابراین توجه داشته باشید که باید قبل از

اینکه سیگنال صادر شده باشه تصمیممون رو گرفته باشیم.

دو سیگنال اصلی وجود داره یکی Golden Cross و دیگری Dead Cross اولی کراس طلایه یعنی سیگنال خرید قوی است و دومی سیگنال فروش .

### سیگنال طلایی

در وضعیتی که (1) کندل ها بالای کومو قرار دارند (مخصوصا کوموی صعودی) (2) وقتی تکنسین (میانگین 9 دوره ای) از پایین کیجنسن (میانگین 26 دوره ای) حرکت می کنه و کیجنسن رو بطرف بالا قطع می کنه سیگنال قوی خرید صادر می شه. (3) اگر چیکو بالای کندل 26 دوره قبل قرار داشته باشه به اعتبار این سیگنال افزوده می شه (4) اگر این کراس همراه با همسو شدن کیجنسن با تکنسین باشه (معمولا در بازارهای بدون دامنه نوسان رخ می ده) این سیگنال اعتبار بیشتری پیدا می کنه.

-اگر این اتفاق در زیر کومو رخ بده، سیگنال خرید صادر شده ولی طلایی نیست و سیگنال ضعیف خرید است .

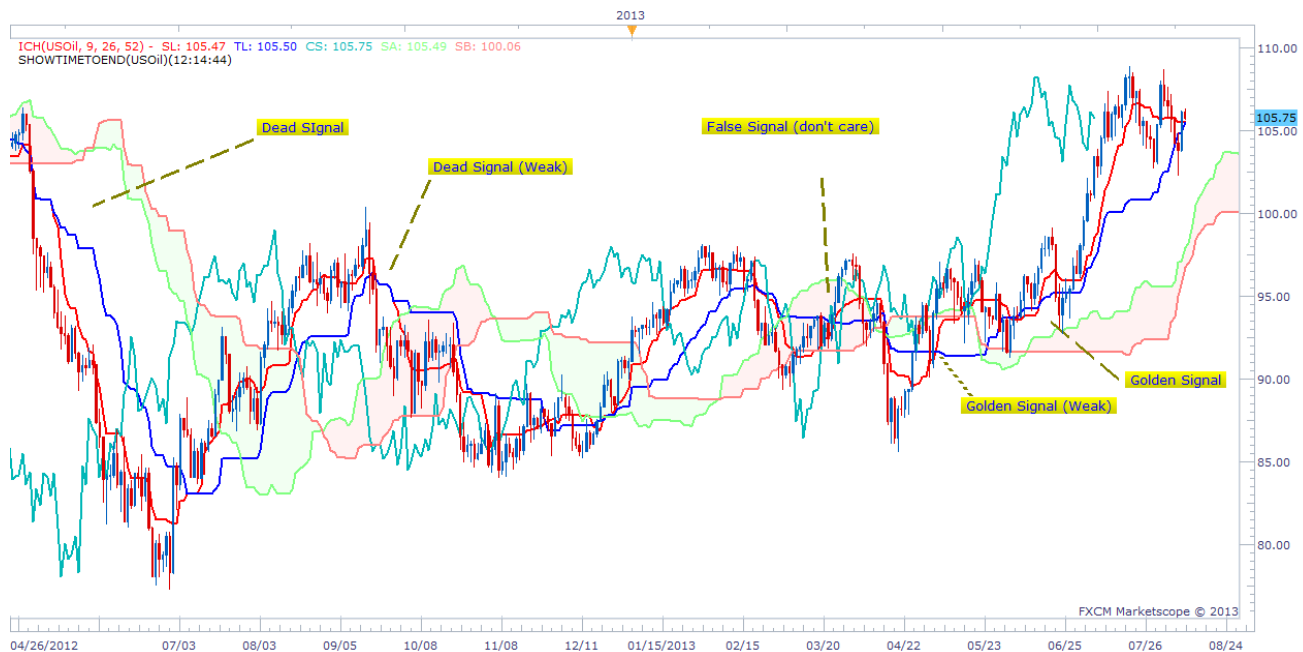
### سیگنال مرگ

(1) اگر کندل ها زیر کومو قرار داشته باشند (مخصوصا کوموی نزولی) و (2) کراس معکوس داشته باشیم یعنی کیجنسن از بالا حرکت کنه و تکنسین رو بطرف پایین قطع کنه در این وضعیت سیگنال نزولی شدید صادر شده . (3) اگر همزمان چیکو زیر کندل 26 دوره قبل باشه اعتبار این سگنال بیشتر می شه و باز هم (4) اگر تکنسین و کیجنسن همسو بطرف پایین حرکت کنند (که معمولا اینطوریه) بر اعتبار این سیگنال افزوده می شه.

-چنین اتفاقی در بالای کومو یک سیگنال نزولی ضعیفه.

### سیگنال بی اهمیت

اگر چنین سیگنالی وقتی رخ بده که کندل ها در درون کومو قرار داشته باشند، این سیگنال رو جدی نمی گیریم.



سیگنال های بالا سیگنال های روند هست و می تونه به تغییر روند منتهی بشه. علاوه بر اینها می شه سیگنال هایی رو در ایچی دید که سیگنال روندی نیستند و نشان دهند (حداقل) وقوع نوسان در بازار هستند .

کراس چیکو و تنکنسن در 26 دوره قبل بطرف بالا یعنی چیکو بره بالای تنکنسن مخصوصا تنکنسنی که فلت باشه اینجا سیگنال صعودی داریم- وضعیت برعکس رو می تونیم سیگنال نزولی بدونیم.

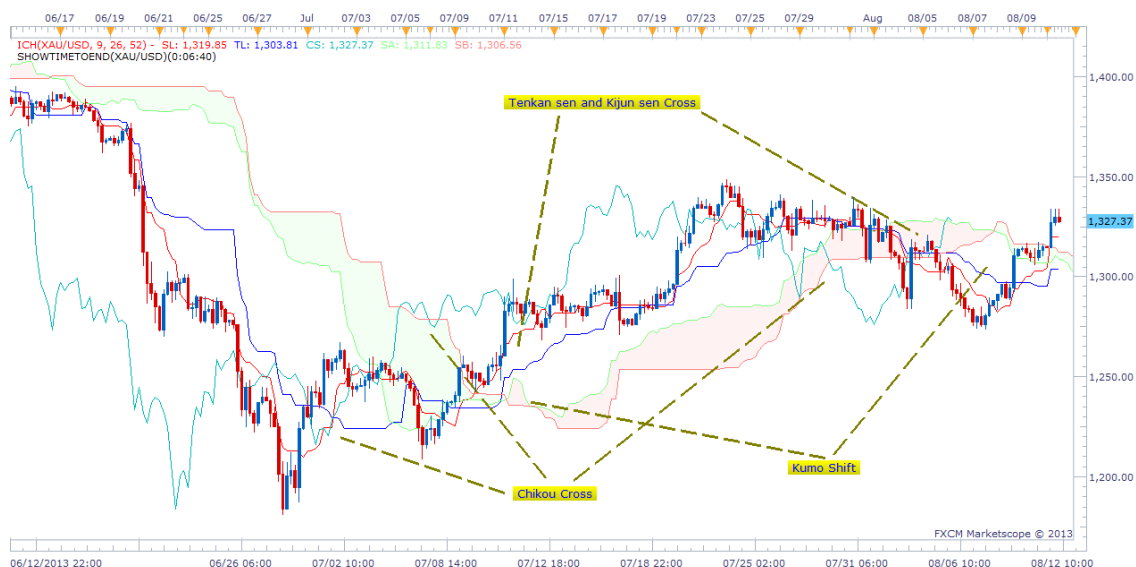
کراس چیکو و کینجنسن در 26 دوره قبل بطرف بالا یعنی چیکو بره بالای کینجنسن مخصوصا کینجنسنی که فلت باشه اینجا سیگنال صعودی داریم - وضعیت برعکس رو می تونیم سیگنال نزولی بدونیم. این سیگنال از سیگنال قبلی بهتره است.

کراس چیکو و کومو در 26 دوره قبل وقتی که بطرف بالا و در حال خروج از بالای کومو هست مخصوصا کوموی ضخیم یک سیگنال صعودی است. ولی توجه داشته باشیم که معمولا اینجا پولبک رخ می ده. یعنی بهتره صبر کنیم چیکو از کومو خارج بشه و پولبک بزنه اگر بریک اوت

معتبری رخ داد وارد پوزیشن خرید بشیم. همین وضعیت رو اگر از بالا به پایین داشته باشیم یک سیگنال نزولی داریم

کراس تکنسن و کومو یا کراس کیجنسن و کومو. اگر این کراس ها از پایین به بالا باشه و مخصوصا در سقف کومو رخ بده یعنی هر کدوم از این ها در حال خروج از بالای کومو باشند یک سیگنال صعودی خوب رخ داده که می تونیم سیگنال قوی بدونیم. با این حال باید توجه کنیم این کراس معمولا همراه با پولبک و می تونه به یک بریک اوت معتبر و یا فیک بریک اوت منتهی بشه. وضعیت بر عکس این وضعیت یعنی از بالا به پایین یک سیگنال نزولی قوی است. اگر مورد قبلی در وضعیتی رخ بده که هر دو میانگین (تنکن و کیجن) همزمان از کومو خارج شوند این یک سیگنال قوی است.

کراس قیمت و میانگین ها. در پست قبل گفتیم هر کدام از میانگین های ایچی نقش حمایت/مقاومت دارند. وقتی کندل ها از این میانگین ها عبور می کنند در واقع حمایت / مقاومت شکسته شده. طبیعیه که کراس قیمت و کراس کیجو و کراس قیمت و تکنسن سیگنال ضعیف بشمار می آیند و کراس کندل ها و کیجنسن و کراس کندل ها و کومو سیگنال قوی تری هستند . در تایم روزانه از این نوع سیگنال ها دائم رخ می ده ولی نکته ای که وجود داره اینه که اغلب رشد بعدی چندان زیادی رخ نمی ده بنابراین بهتره این سیگنال های سری اخیر رو در تایم هفتگی زیر نظر داشته باشیم.



## Tip

گاهی اوقات سیگنال های خرید یا فروش کارکرد دیگه ای دارند. مثلا در یک روند صعودی کندل ها وارد اصلاح می شوند و بدنال اون در انتظار کراس نزولی تکنسن و کیجنسن هستیم. در نگاه اول این یک سیگنال خروجه. ولی می شه این سیگنال رو یعنی قیمتی که این کراس رخ می ده رو نقطه نهایی نزول و اصلاح بدونیم. وقتی در چنین وضعیتی کراس رخ می ده ولی کندل ها از اصلاح خارج می شوند می تونیم اینطور برداشت کنیم که حمایت ها وارد عمل شده و اصلاح بطور موقت یا کامل تمام شده .

در زمان کراس ها باید به خود کندل ها نگاه کنیم. نباید بین کراس ما (نزولی یا صعودی) و حرکت کندل ها واگرایی وجود داشته باشه. یعنی اگر دیدید یک کراس صعودی رخ داده و سیگنال خرید صادر شده ولی کندل ها رو به نزول دارند این کراس رو باید زیر نظر داشت تا بین کراس و کندل ها همگرایی بوجود بیاد. این نوع کندل ها معمولا در کراس صعودی شاخک بالایی بزرگ و در کراس نزولی شاخک پایینی بزرگ دارند.

گاهی کراس رخ می ده ولی سرعت کراس و سرعت کندل ها همنا نیست یعنی سرعت میانگین ما از سرعت کندل ها بیشتره. در اینجا دوباره واگرایی داریم و باید منتظر تبدیل میانگین کراس کننده از حمایت به مقاومت و یا از مقاومت به حمایت باشیم .

شیفت کومو رو جدی بگیرید. وقتی کوموی نزولی به صعودی یا صعودی به نزولی تبدیل می شه یعنی میانگین کوتاه مدت و بلندمدت جابجا شده اند. اگر این جابجایی همراستا با حرکت کندل ها باشه (یعنی اگر کوموی نزولی به کوموی صعودی تبدیل شده و کندل ها هم حرکت صعودی دارند) این یک نشانه جدی از تغییر رونده.

به علاوه وقتی شیفت رخ می ده و کندل ها از پایین کومو به بالای کومو می روند (یا بلعکس) وقتی کندل ها به نقطه شیفت می رسند منتظر توقف موقت روند باشیم. می دونیم کومو 26 دوره جلوتر از کندل قرار داره و وقتی کندل ها به نقطه شیفت می رسند یعنی 26 دوره قبل بوده که این شیفت انجام شده و به همین دلیل یعنی احتمالا باید منتظر "Day of Change" باشیم که در نظریه زمانی توضیح خواهم داد. این احتیاط باید زمانی که روند ما شتاب بیشتر داشته خیلی جدی گرفته بشه.



## ساختار و سیگنال های ایچیموکو (5)

### معنای غیر عددی سیگنال ها

در هر دستگاهی که تحلیل کنیم (سیستمی یا اندیکاتوری) سیگنال ها معنای غیر عددی دارند. خیلی از اوقات گمان می کنیم ابزارهای تحلیلی خارج از منطق بازار و دارای یک منطق استعلایی یا یونیورسال هستند. در تمام ابزارهای تحلیلی که می شناسم فقط می توانیم تا حدودی فیبوناچی (نظریه فیبوناچی) رو امری خارج از بازار تصور کنیم. یعنی درصدهای فیبو درصدهایی هستند که بیرون از بازار و به عنوان یک امر فرا رفتاری مطرح اند. با این حال وقتی از فیبو استفاده می کنیم گرچه درصدها امری بیرونی هستند ولی وقتی روی چارت قرار می گیرند دقیقا مبتنی بر رفتار خریدار و فروشنده بوده و در نهایت امری درونی نسبت به بازار هستند. بنابراین همه اعدادی که از انواع ابزارهای تکنیکال می گیریم در واقع نوعی کدگذاری رفتار انسانی در دو جنبه خریدار و فروشنده است. کاری که روانشناسان (به عبث!) انجام می دن هم همینیه. یعنی سعی می کنند رفتارهای ما رو دسته بندی کنند و یک کشکول درست کنند و وقتی شما به اونها



مراجعه می کنید سرعت شما رو در همون دسته بندی از پیش تعیین شده قرار می دن و یک برچسب روی پیشونی شما می چسبونند و چند قرص و یا پیشنهاد خاص به شما می دن. اگر با فال گیرها روبرو شده باشید هم اینها یکسری دسته بندی دارند که بسته به ظاهر شما انواعی از غیب گویی ها و پیشنهادات رو می دن. یک خورده عمیق تر نگاه کنیم اساسا علم چنین کاری می کنند. یعنی دائم سعی می کنه موضوع مورد بررسی خودش رو کلسیفیکشین کنه و سلسله مراتب دانشی بوجود بیاره. حالا یکی در دانشگاه این کار رو می کنه و بخاطر تسلط آکادمی بر زندگی می شه نظریه علمی (فیزیک، پزشکی، روانشناسی و ...) و یکی هم چون در خارج از آکادمی قرار داره می شه فالگیر و جادوگر و ... تحلیل تکنیکال بین این دو قرار داره. یعنی نه هنوز جایگاه آکادمیک داره و نه در رده فالگیری و رمالی دسته بندی می شه. این مقدمه رو گفتم که این نتیجه رو بگیرم که معنای سیگنال ها رو در رفتار خریدار و فروشنده جستجو کنید. مثلا در مکدی وقتی عبور مکدی از خط صفر رو سیگنال می دونیم یا در آر اس آی وقتی عبور از 50 رو نشانه خوب می دونیم معنی اینها این نیست که مکدی یا آر اس آی قطب نما می هستند و قطب رو نشون می دن. بلکه رفتار خریدار و فروشنده رو در بازار دسته بندی می کنند.

درباره ایچی گفتیم که یک سیگنال طلایی داریم. گفتیم اگر کندل ها بالای ابرها باشند و تکنس از زیر کیجنسن حرکت کنه و اون رو به بالا قطع کنه این یک سیگنال خرید قوی است. معنی این سیگنال چیه؟

وقتی کندل ها بالای کومو هستند یعنی قدرت خریدار در بلند مدت بر فروشنده چربیده و تا اینجا جذابیت خرید وجود داشته. وقتی کیجنسن و تکنس بالای کومو هستند یعنی علاوه بر مورد بالا، میانگین قدرت خرید در دوره های 9 و 26 قبلی بر قدرت فروش برتری داشته. یعنی این برتری قدرت خریدار بطور خلق الساعه و ناپیوسته نبوده. پس میان مدت هم قدرت خریدار بر فروشنده برتری داشته و جذابیت خرید وجود داشته. حالا وقتی کراس تکنس و کیجنسن رو داریم معنی این کراس اینه که در بلند مدت و میان مدت و اکنون در کوتاه مدت هنوز قدرت خریدار بیش از فروشنده است و همچنان جذابیت خرید وجود داره پس صعود همچنان ادامه داره و علیرغم صعودی که تاکنون رخ داده هنوز جبهه فروشنده نیروی کافی برای جلوگیری از ادامه روند صعودی رو نداره. معنای دیگر اینه که خریداران قبلی علیرغم اینکه در سود هستند هنوز تصمیم به فروش نگرفته اند یا اگر فروخته اند نیروی خریدار تازه نفس تری وارد بازار شده و باور عمومی بازار همچنان بر وجود جذابیت خرید است.

این درباره سیگنال مرگ هم همینطوره. یعنی علیرغم قدرت فروش بلندمدت هنوز هم کسانی هستند که امیدی به بازار ندارند و قدرت فروشندگان بیش از خریداره و در واقع ناامیدی در این

بازار موج می زنه.

به همین ترتیب اگر همه سیگنال های ایچی (و همه سیگنال های تکنیکال) رو بررسی کنیم می بینیم که ماجرا در تقابل خریدار و فروشنده نهفته و ما داریم این رفتار و تقابل رو تحلیل می کنیم. حتی به حمایت و مقاومت هم نگاه کنید. وقتی حمایت یا مقاومتی می شکنه یعنی چی؟ یعنی در جایی که اغلب فروشنده بودند/خریدار بودند اکنون بازار رفتاری متفاوت داره و احتمالاً تغییر در فاند بازار رخ داده که شاهد این تغییر هستیم.

حالا اگر اینطور به بازار نگاه کنیم درک بهتری از بازار و تحلیل ها نخواهیم داشت؟ بعلاوه قبل از وقوع سیگنال فقط و فقط از روی چارت نمی تونیم وقوع سیگنال ها رو پیش بینی کنیم؟ این بحث مقدمه ای خواهد بود برای نظریه زمان و امواج در ایچی که در پست های بعدی درباره این نظریه ها بحث خواهیم کرد. پیش از اون چند سیگنال مورد نظرم خودم رو توضیح خواهم داد.

## ساختار و سیگنال های ایچیموکو (6)

### تجربه های شخصی از ایچیموکو

خیلی از ما وقتی ایچی رو بکار می بریم (و اغلب فقط ابرها و میانگین ها رو مبنا قرار می دیم) در عمل می بینیم سیگنال های ایچی گاهی جواب می ده و گاهی نتیجه مثبتی نداره. مثلاً وقتی یک اصلاح رخ می ده ابتدا تکن و کیجن رو به عنوان حمایت می گیریم و بعد کراس این دو رو حد ضرر می دونیم. اما می بینیم درست وقتی کراس رخ می ده، یا اصلاح متوقف می شه و یا روند بر می گرده. حالا که فروختیم و خارج شدیم شروع می کنیم ایچی رو نقد کنیم و سیگنال های اون رو بی اعتبار بدونیم. اما بعضی ها هم شروع می کنند ایچی رو بالا و پایین می کنند و در نهایت به این نتیجه می رسند که تنظیمات زمانی ایچی رو دستکاری کنند. استدلال این افراد هم اینه که زمانی که ایچی ابداع شد بازارها در ژاپن 6 روز کاری فعال بودند ولی امروزه در جوامع مختلف 5 روز فعال هستند. پس بجای 9 که یک و نیم هفته است (3+6) و 26 که یک ماه تمام است و 52 که دو ماه کاری است اعداد جدیدی رو ابداع می کنند. معروف ترین اعداد ایرانی و غیر ایرانی 44-22-7 است .

ابتدا درباره فلسفه اعداد توضیح بدم. شما اگر ایچی استاندارد و به 44-22-7 تبدیل کنید در عمل

چارت شما خیلی تفاوتی با چارت ایچی استاندارد نمی کنه. بنابراین این راه رفته رو نرید. اساسا ایچی برای تحلیل کوتاه مدت ابداع نشده. ایچی عملا یک توازن زمانی رو در نظر داره که باید منطق این توازن رو درک کرد. تایم زمانی اصلی ایچی تایم هفتگی است. هفته در واقع یک تایم وسط میان روزانه و ماهیانه است. در هر ماه 4 هفته وجود داره با یکی دو روز اضافه و هر دو ماه دقیقا 9 هفته است. هر سال 52 هفته است و یک نیم سال 26 هفته. بنابراین تنظیم استاندارد ایچی مبتنی بر تایم هفتگی است. حالا اگر این تنظیمات رو به تایم روزانه بیاریم و یا به تایم ماهانه ببریم گرچه تا حدودی تفاوت می کنند ولی وقتی 9 دوره به عنوان میانگین کوتاه مدت ، 26 دوره بعنوان میانگین میان مدت و 52 دوره بعنوان میانگین بلندمدت برگزیده شده این میانگین ها در این دو تایم بالاتر و پایین تر هم می توند اهداف تحلیلی ما رو تامین کنند (یعنی اصل موضوع بر سه میانگین کوتاه، میان و بلندمدت مبتنی است). پس اشکال سیگنال های فریبنده در تنظیمات زمانی ایچی نیست .

بگذارید یک مثال از اندیکاتورها بزنم. در آر اس آی معمولا آر اس آی 14 دوره ای می گیریم. هیچ فکر کردید چرا 14 دوره؟ در یک ماه 22 روز کاری داریم. می تونستیم آر اس آی 5 (یک هفته ای) 10 (دو هفته ای یا نیم ماهی) و 22 (یک ماهی) بگیریم. ولی کسی که آر اس آی رو ابداع کرده احتمالا نگاهی به فیبوناچی داشته. 22 ضرب در 62 درصد می شه 13/6 که رند کنیم می شه 14. خب حالا اگر این 14 که انتخاب تایم روزانه است رو به تایم بالاتر و پایین تر ببریم هم چنین منطقی داره؟

یا به مکدی نگاه کنید. خیلی ها معتقدند مکدی شکل غربی ایچی است. تنظیمات مکدی و حتی شکل ظاهری اون بشدت شبیه ایچی است (26 - 12 - 9). یعنی مساله این است که باید تنظیماتی رو به عنوان میانگین کوتاه و بلندمدت در نظر بگیریم. مهم اینه که این تنظیمات منطق درونی داشته باشه و قابل دفاع .

پس نتیجه ای که گرفتم این بود که تنظیمات زمانی ایچی خیلی تفاوتی در خروجی تحلیل ها نداره و شاید اینطور هم بشه گفت که اگر هر اعداد دیگری رو انتخاب کنیم بازهم سیگنال فالش داریم.

چیزی که برای خود من کمی گیج کننده بود شکل بادبانی ابرها بود. ایچی شبیه یک کشتی قدیمی بود که با استفاده از بادبان ها این طرف و آن طرف می رفت. یعنی کشتی بدون لنگر بود. وقتی چارت رو تحلیل می کنید در نهایت به این نتیجه می رسید که (مثلا) روند نزولیه. اما سوال این بود که خب نزول تا کجا؟

در نگاه اول دو ابزار دیگر در اختیار ما بود یکی تحلیل امواج و تحلیل زمانی (که خواهیم دید اینها هم مشکلاتی دارند) و دیگری بررسی چارت در تایم بالاتر. ما وقتی در تایم روزانه تحلیل می کنیم باید همیشه به تایم بالاتر هم نگاهی داشته باشیم (و اگر در بازار پر عمقی مثل فارکس معامله می کنیم به تایم پایین تر). ولی همیشه یک اصل داریم: به تایم معاملاتی خود وفادار باشید. یعنی اگر در تایم روزانه معامله می کنید همیشه سعی کنید در همین تایم معامله کنید. من می خواستم در تایم روزانه (یا هر تایم دیگری) چیزی داشته باشم که به عنوان لنگر کمک کنه درک بهتری از چارت داشته باشم.

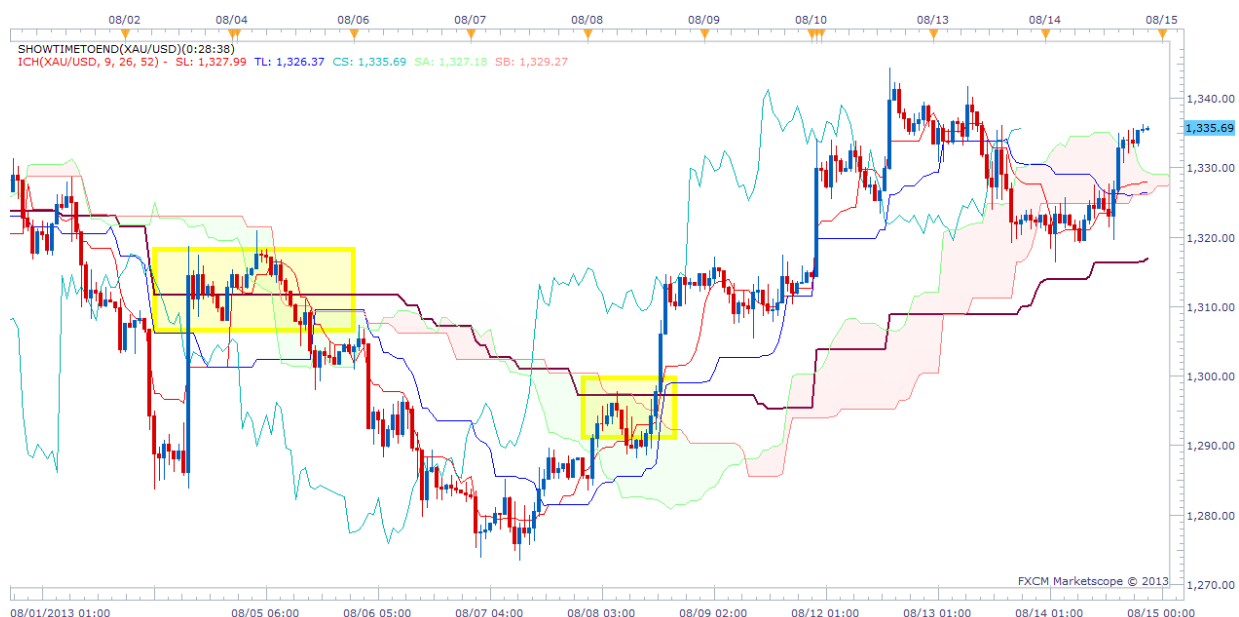
چیزی که بنظرم رسید یک میانگین جدید بلندمدت تر بود که مسیر رو بهتر نشون بده و البته رابطه خوبی با ابرها و دیگر میانگین ها داشته باشه. ایده میانگین 103 دوره ای اینجا متولد شد. 103 در واقع حاصل جمع 52 و 52 بود که منهای یک شده (علت این منها رو در تحلیل زمانی خواهیم دید).

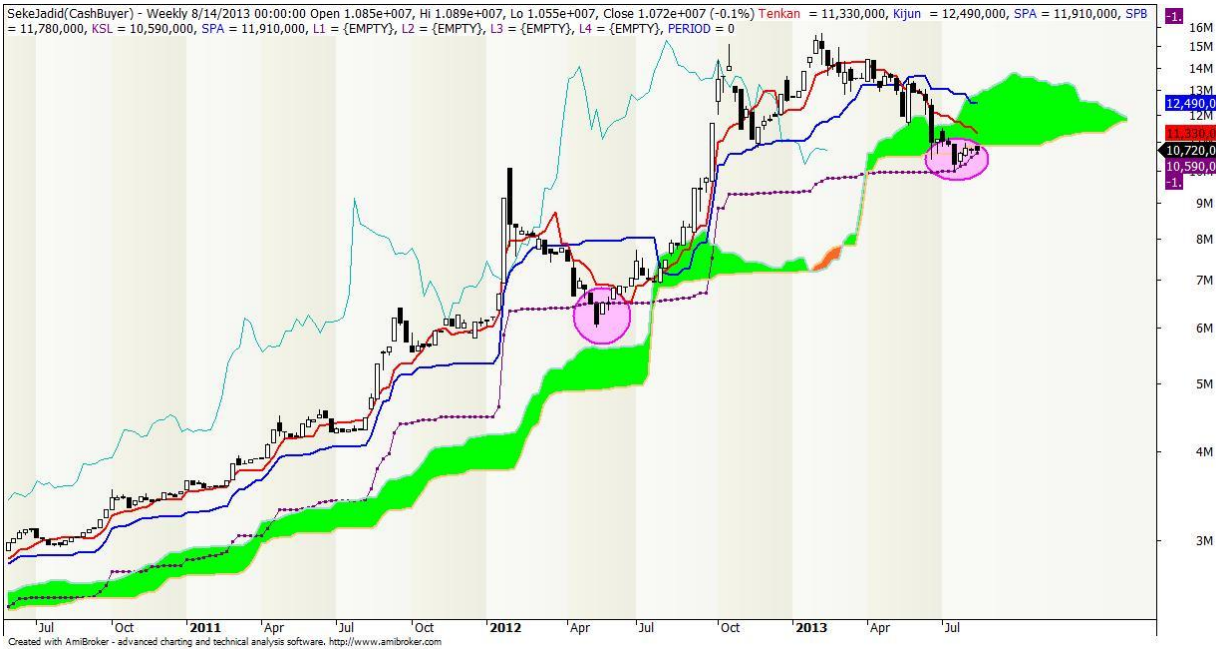
بنابراین علاوه بر عناصر ایچی استاندارد یک میانگین جدید هم به چارت اضافه کردم که از همان فرمول میانگین ها در این ایچی بدست می اومد. یعنی این فرمول بالاترین قیمت در 103 دوره گذشته + پایین ترین قیمت در 103 دوره گذشته تقسیم بر 2

$$M103 = (HHV(H, 103) + LLV(L, 103))/2$$

نتایجی که از این میانگین گرفتم خیلی جالب بود.

اولا این میانگین در اغلب تایم فریم ها به عنوان حمایت / مقاومت بسیار معتبری عمل می کنه.









نکته دوم، کندل‌ها رابطه معناداری با این میانگین دارند. مثلاً در یک روند نزولی وقتی کندل‌ها به این میانگین می‌رسند (که اغلب هم بصورت فلت هست) چند حالت وجود دارد: خیلی از اوقات مخصوصاً در تایم‌های روزانه و کمتر کندل‌ها یکی دو بار با این میانگین درگیر می‌شوند و در واقع اینجا خریدار و فروشنده دوئل می‌کنند



اگر قدرت روند ناکافی باشه کندل ها برمی گردند و یا حتی گاهی قبل از تاچ کردن این نقطه فرار می کنند

اگر موفق به عبور شوند بعد از کمی فاصله گرفتن، غالبا بر می گردند و یکبار دیگه این میانگین رو تست می کنند. در این وضعیت اگر قبل از تاچ کردن این میانگین مجددا برگردن و روند قبلی رو ادامه بدهند این نشانه تداوم صعود با شدت بیشتره. اگر به این میانگی برخورد کنند و میل به شکست معکوس نداشته باشند این یک فرصت معاملاتی خوبه

نکته سوم، یک روند صعودی رو وقتی معتبر می دونم که هارمونی میان میانگین های مختلف وجود داشته باشه. این هارمونی از بالا به پایین به ترتیب اینطوریه: کندلها، تکنسن، کیجنسن، میانگین 103، اسپن ای، اسپن بی. روندی که این آرایش رو داشته باشه روند صعودی با اطمینانی هست. البته اگر بخواهیم منتظر چینی وضعیت به عنوان سیگنال باشیم بخش زیادی از روند رو از دست می دیم پس این به عنوان سیگنال مطرح نیست بلکه جهت رو به ما نشون می ده. طبیعیه که در روند نزولی وضعیت باید برعکس باشه.





نکته چهارم، در وضعیتی که صعود داشتیم و حالا اصلاح تموم شده و کندل ها برگشتند به طرف بالا، وقتی این میانگین در روند از هارمونی خارج می شه و می ره زیر کومو خیلی به این موج صعودی بعدی امیدوار نیستیم. زیر کومو بودن این میانگین حکایت از این داره که موج جدید بعیده از سقف قبلی بالاتر بره یا خیلی از اون فاصله بگیره، مگر اینکه سرعت حرکت کندل بسیار بالا باشه یا میانگین 103 از حالت فلت خارج شده باشه و صعودی بشه. در عوض وقتی زیر کومو است قدرت کهربایی بالایی داره و کندل ها رو بطرف پایین می کشه. البته تاکید می کنم کاملا زیر کومو و داخل کومو بودن از این امر مستثنی است.



فاصله 103 از کومو هم می تونه کمک کنه تشخیص بدیم روند بعدی چقدر توان داره. وقتی فاصله 103 با کومو زیاده یعنی موانع صعود هم جدیه .  
در بورس ایران وقتی از دیتای تعدیل شده استفاده می کنید کمتر ممکنه این میانگین بکار بیاد (کلا دیتای تعدیل شده اطلاعات بسیار خوبی رو بیرون می ریزه و غیر از موجهشماری شاید بدرد هیچ چیز دیگری نخوره)

پس اضافه کردن میانگین 103 دوره ای کمک می کنه تا به عنوان لنگر از این کشتی بادبانی استفاده کنیم.

قصه داشتم دو سه نکته دیگه هم بگم که فعلا به دلایلی (از جمله پیچیده تر شدن بحث و ...) فعلا صرف نظر می کنم. در تایپیک آخر هفته، ایچیموکو، بازارهای جهانی برخی از این نکات را توضیح داده ام .

امیدوارم تا آخر هفته اگر فرصتی بود طی دو پست نهایی درباره تئوری امواج و تئوری زمان هم توضیح بدهم و بحث رو تموم کنم.

## تئوری امواج

قبلا گفتیم که هدف اصلی هر نوع تحلیل تکنیکال اینه که ببینیم روند ما چه نوع روندی است. وقتی روند رو تشخیص دادیم سوال اصلی بعدی اینه که این روند تا چه قیمتی ادامه خواهد داشت؟ برای اینکار شروع می کنیم از فیبو، از الیوت، الگوها، حمایت ها و مقاومت ها و ... استفاده کنیم. بخش مهمی از سیستم ایچی نظریه امواج است. در چارچوب تحلیل ژاپنی شش نوع موج ساده و پیچیده وجود داره. این موج ها در واقع نحوه حرکت سوینگ ها و تارگت قیمتی رو به ما نشان می دهند و ما می تونیم از این اشکال برای شناخت نقاط نهایی روند استفاده کنیم. ابتدا این موج ها رو معرفی می کنم و سپس درباره تارگت های قیمتی بحث می کنیم. نام این امواج از شکل ظاهری آنها گرفته شده.

### موج I

این موج در واقع ساده ترین شکل موج است و شامل یک حرکت است که بطرف بالا یا پایین حرکت می کنه. این موج در واقع پایه ای ترین شکل موج ها هست .

### موج V

موج V شامل دو موج ساده است که بر خلاف جهت یکدیگر حرکت می کنند. در اینجا یک حرکت به بالا داشته ایم و سپس راه رفته شده در مسیر معکوس طی شده.

### موج N

موج N شامل سه موج ساده است که یکی از این سه موج بر خلاف جهت دو موج قبلی حرکت می کنه. یعنی یک صعود داریم و سپس یک اصلاح و بعد یک صعود دیگر (برعکس).

### موج P

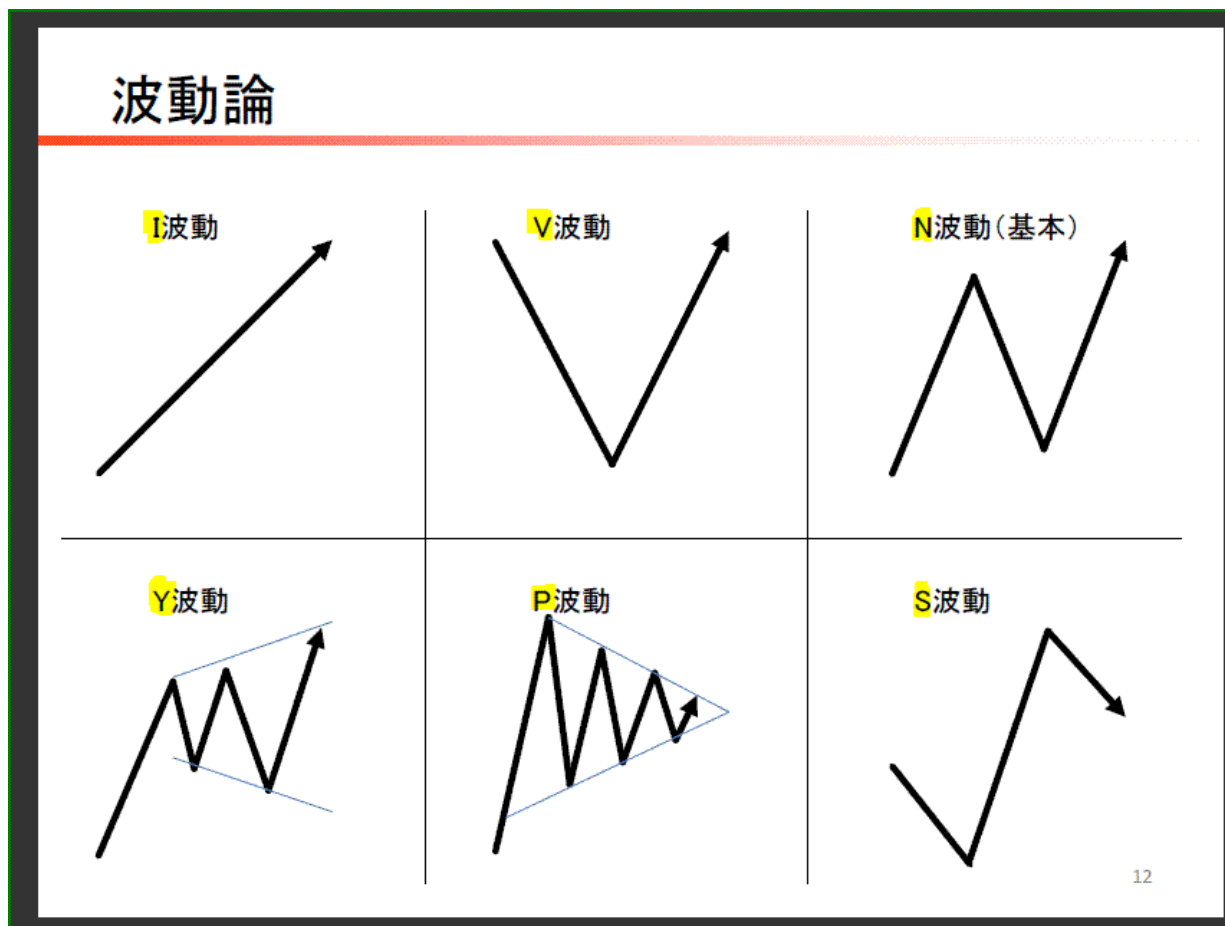
موج P یک موج ترکیبیه. یعنی یک ترند داریم (موج I) و سپس کانسلاید شکل می گیره و چندین زیر موج ترکیبی شامل I ، V یا N که در درون یک مثلث حرکت می کنند. در این مثلث اضلاع بالای و پایین همگرا هستند.

### موج Y

موج Y شبیه موج P است با این تفاوت که مثلث ما بسط یابنده است و اضلاع واگرا هستند.

## S موج

موج S شبیه موج N است ولی این بار ضلع اصلی بر خلاف دو ضلع دیگر بوده و بلندتر است. موج S رو خیلی جدی نمی گیریم چرا که شبیه N است و در واقع برش ناقص دو موج اصلی است.



می دونیم موجشماری الیوتی دارای ساختار فراکتالی است. ساختار فراکتالی یعنی اگر موج بلند مدت ما صعودی هست، موج های کوتاه مدت ما هم صعودی خواهد بود ولو آنکه روند کوتاه مدت ما نزول رو نشون بده (البته در چارچوب قواعد الیوتی). به همین دلیل خیلی ها سعی می کنند موج 3 در تایم بلندمدت رو بدرستی شناسایی کنند و وارد پوزیشن خرید شوند و با خیال راحت حتی در مواقع نزول بازار سهامداری کنند چراکه معتقدند روند اصلی صعودی است. اما در موجشماری ایچیموکویی بازار در اساس خودش دارای ساختار I است. یعنی در جزئی ترین

شکل خود قیمت ها بصورت صعودی یا نزولی هستند و همزمان در کلی ترین شکل خود ما همواره امواجی به شکل I داریم. در چارت زیر خواهید دید که همه امواج حداقل از یک I تشکیل شده اند و در ترکیب با I دیگر موج های دیگری ساخته می شود. همه این امواج کوچک رو وقتی در روندی بلندمدت در نظر بگیریم باز هم همین شکل رو مشاهده می کنیم. نکته مهم اینه که ما موجی رو شناسایی بکنیم که در وضعیت بلندمدت اون در جهت پوزیشن ما باشه.

چارت کرمانشا از اکتبر 2012 تا امروز رو در تصویر زیر می بینید



خب حالا این اشکال چه کمکی به ما می کنند؟

در تصویر بالا فعلا خطوط سبز و آبی رنگ رو در نظر بگیرید. ابتدا سوینگ ها رو با رنگ قرمز مشخص می کنیم. می بینیم که ابتدا یک موج I داریم که در ادامه به یک Y تبدیل شده. بعد از خروج از پترن یک I دیگر داریم که قیمت تا 1000 تومن افزایش داشته. سپس تعدادی سوینگ بصور N داریم که نزولی هستند و می بینیم که سوینگ ها بطرف بالا حرکت کرده اند و ادامه ماجرا. اینها امواج کوتاه مدت هستند . حالا خطوط سبز رنگ رو در نظر بگیرید. اینجا با صرف نظر کردن سوینگ ها و موج های کوچک،

می‌تونیم موج‌های جدیدی رو بصورت N ببینیم (سبز رنگ) که در ادامه تا 790 اصلاح کرده و دوباره یک صعود تا 1150 تومن که در واقع یک N جدید داریم. (میان مدت) بعد از این مرحله باید خط آبی رو در نظر بگیریم. اینجا می‌تونیم همه این صعود از 550 تا 1150 تومن را یک I در نظر بگیریم که در قله تغییر مسیر داده و اومده پایین (آبی رنگ). دومین موج نزولی آبی می‌تونه به نزول ادامه بده و به یک I نزولی تبدیل بشه که در نهایت یک V خواهیم داشت یا از همین کف تغییر مسیر بده و دوباره به طرف بالا حرکت کنه و یک N شکل بگیره.



همینطور که می‌بینیم بعد از قله 1150 شروع به اصلاح کرده و سوینگ‌ها به یک Y منتهی شده و سپس یک بالا داشتیم. اگر خط سبز رو در نظر بگیریم اکنون مردد هستیم که موج ما در حال ساختن یک N نزولی است یا یک V؟ همینطور روند بلندمدت که خط آبی رنگ است به کدام طرف حرکت می‌کنه؟ یک N صعودی داریم یا در حال ساختن یک V نزولی هستیم؟ به عبارت دیگر آیا ما همچنان در یک موج I صعودی قرار داریم (در تایمی بلندمدت تر از رنگ آبی) یا آخرین I صعودی شکل گرفته و اکنون باید منتظر زیر موج‌هایی باشیم که موج جدید رو شکل می‌ده؟ چگونه می‌توانیم جهت بعدی رو مشخص کنیم؟ این بحثی است که در پست بعدی مطرح می‌کنم.

## اهداف قیمتی

به این سوال رسیدیم که وقتی امواج رو شناسایی کردیم چگونه می تونیم ادامه مسیر رو پیش بینی کنیم؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا باید با شیوه تعیین اهداف قیمتی یا پرایس تارگت در ایچی آشنا بشیم .

در امواج مختلفی که در پست قبلی بحث کردیم فقط می تونیم برای موج N هدف قیمتی تعیین کنیم. به عبارت دیگر، صرف نظر از تایم فریمی که بررسی می کنیم، وقتی می تونیم برای یک موج هدف قیمتی تعیین کنیم که یک روند داشته باشیم و یک روند معکوس نصفه و نیمه. توجه داشته باشیم که موج N در ایچی لزوما شبیه حرف N نیست. یعنی موج دوم نباید تمام موج اول را اصلاح کنه که اگر اینطور باشه ما اینجا یک موج V داریم. نکته دوم اینکه وقتی از N یا V حرف می زنیم لزوما نباید حتما به این شکل باشند بلکه در روند نزولی N بشکل وارونه خواهد بود و V به شکل عدد فارسی 8 می شه. بنابراین توجه داشته باشید که این اشکال امواج برای روند صعودی است و روند نزولی طبیعیه که شکل وارونه اونها مورد نظر ماست اما در تعاریف و اهداف قیمتی هیچ فرقی بین موج نزولی و صعودی نیست.

فرض کنید ما در اوایل موج C قرار داریم. تا این جا ما 2 موج کامل با سه نقطه A، B، C داریم. ما در واقع در داریم تلاش می کنیم تارگت موج C رو تعیین کنیم .

برای این کار باید 4 نقطه احتمالی رو به عنوان تارگت نقطه C تعیین کنیم. یعنی ما چهار تارگت قیمتی برای موج C خواهیم داشت.

شیوه تعیین این نقاط به این ترتیب است که ابتدا ما اندازه فاصله سه نقطه رو تعیین می کنیم. ابتدا فاصله ابتدای موج A تا ابتدای موج B رو تعیین می کنیم. سپس فاصله موج B تا ابتدای موج C رو تعیین می کنیم. در مرحله سوم فاصله ابتدای موج A تا ابتدای موج C رو اندازه گیری می کنیم. پس ما سه عدد داریم. (در پرانتز بگم که اگر از چارت لگاریتمی استفاده می کنید ایجا باید حواستون باشه که فاصله ها را باید در چارت آریتیمیک یا حسابی محاسبه کنید چون در چارت لگاریتمی اندازه ها بر مبنای درصدها و نه قدر مطلق نمایش داده می شه.)

وقتی این سه فاصله رو محاسبه کردیم و قیمت در سه نقطه A، B، C را هم یادداشت کردیم این اعداد رو در فرمول های زیر قرار می دیم:



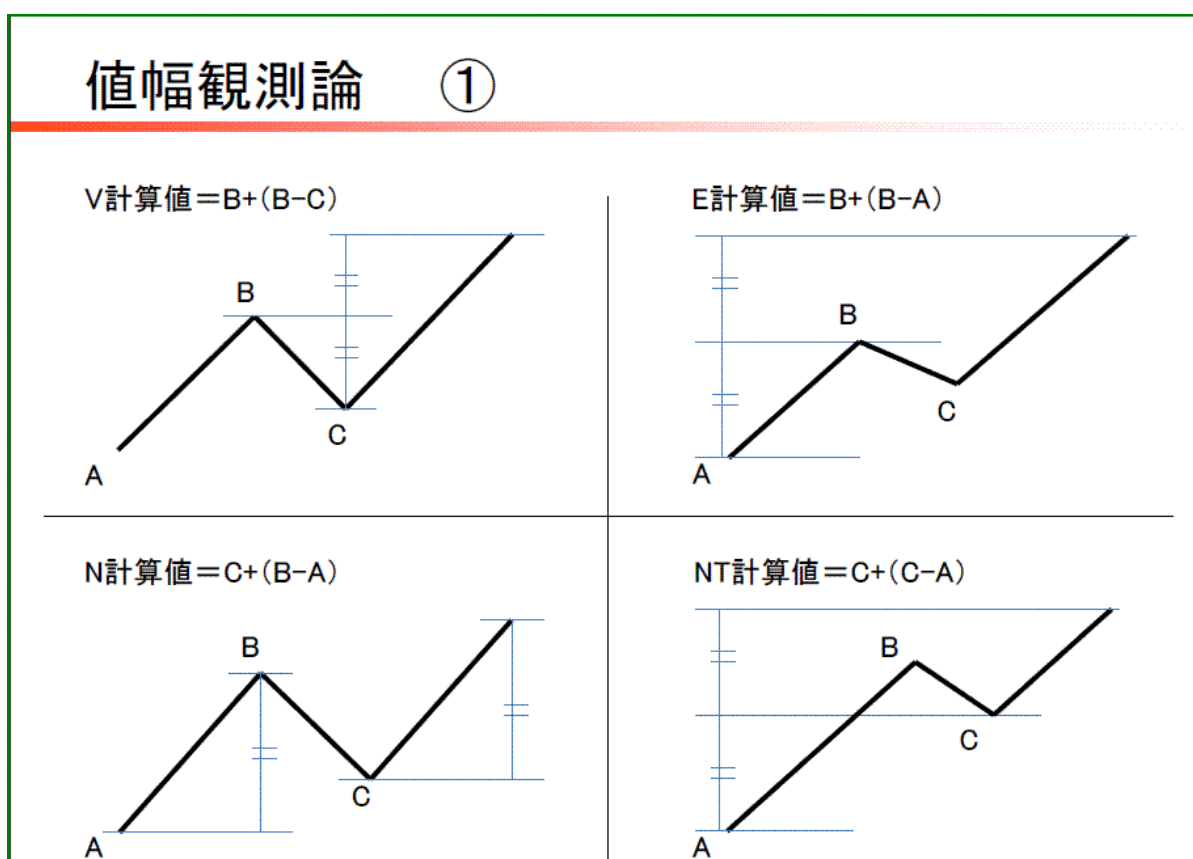
$$V = B + (B - C)$$

$$E = B + (B - A)$$

$$N = C + (B - A)$$

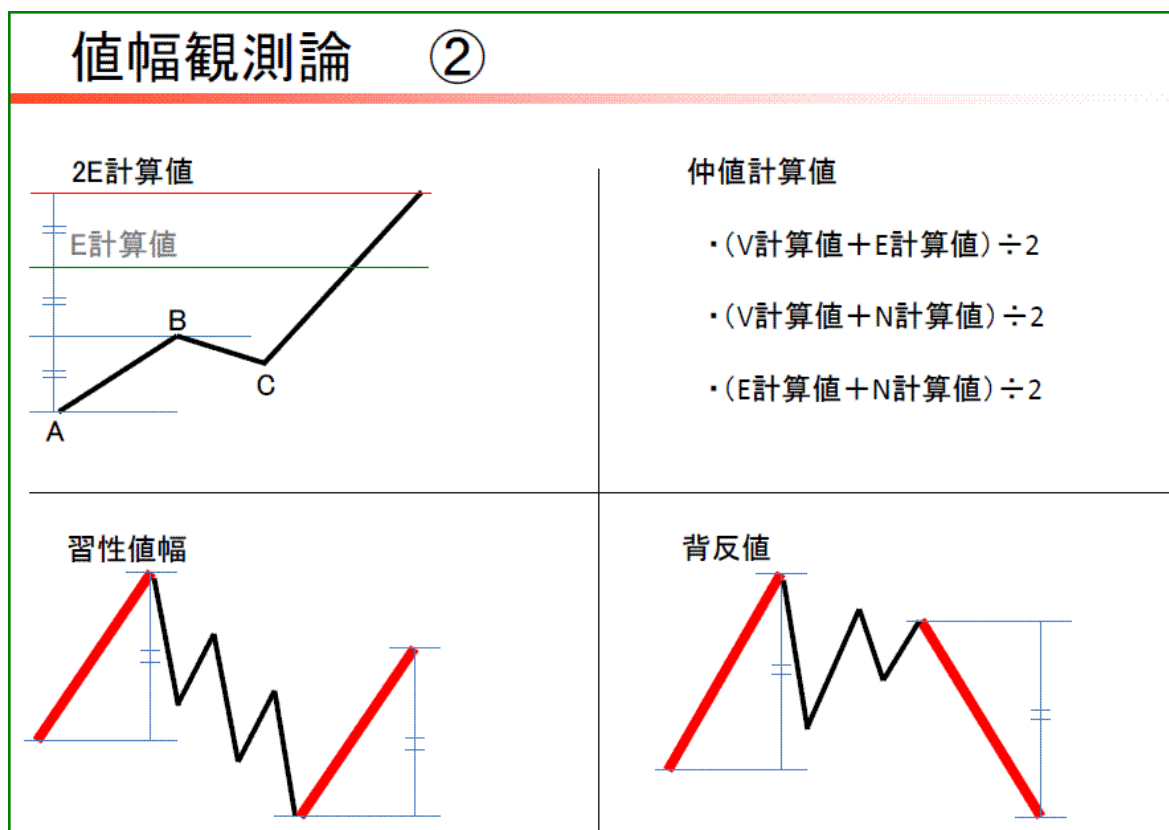
$$NT = C + (C - A)$$

مثلا در فرمول اول که V نامیده می شه ما فاصله بین موج B تا C رو به نقطه B اضافه می کنیم. در تصویر زیر بخوبی می شه این فرمول ها رو مشاهده و درک کرد. فرض کنید قیمت در نقطه B 124 است و قیمت در نقطه C 99. فاصله این دو نقطه با تفریق 99 از 124 می شود 25. خب ما 25 را به 124 اضافه می کنیم و تارگت ما می شود 149 .

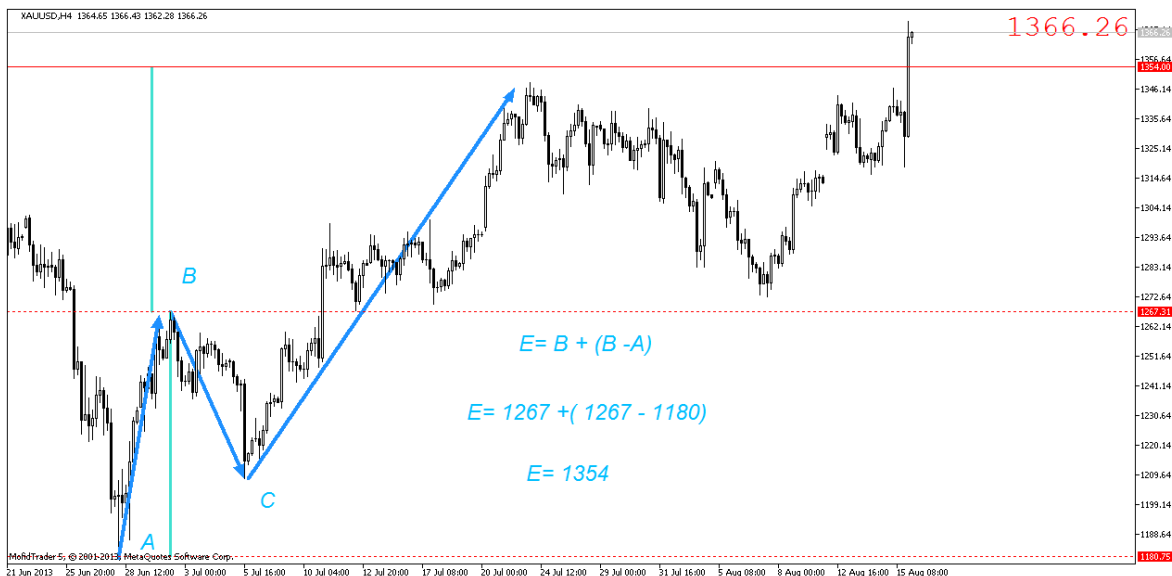


در فرمول های بالا می بینیم که فرمول E بزرگترین تارگت قیمتی ما است. وقتی قیمت به این تارگت رسید و همچنان صعودی بود و روند ما ادامه داشت اینجا ما تارگت جدیدی خواهیم داشت.

این تارگت جدید در واقع اندازه فاصله بین نقطه B تا نقطه E است. یعنی فرض کنید در نقطه A قیمت 1225 و در نقطه B قیمت ما 2100 است. فاصله بین این دو نقطه می شود 875. ما این عدد اخیر رو به 2100 (یعنی نقطه B) اضافه می کنیم که می شود 2975. این تارگت E است. وقتی قیمت از این نقطه فراتر می رود انتظار داریم به مقدار 875 ریال/دلار و ... رشد کند. پس تارگت E2 می شود  $875 + 2975$ . در تصویر زیر دو تارگت دیگر رو می بینم که کاملا گویاست .



این توضیحات رو ابتدا روی چارت انس اعمال می کنیم ببینیم چه نتیجه ای می دهد؟ من فقط فرمول E رو محاسبه می کنم.



حالا روی یک چارت از بازار بورس همین کار رو می کنیم. روی چارت غمارگ فقط تارگت N رو محاسبه کردم



جالبه!

هنوز به این سوال که چطور جهت بعدی موج در چارت کرامانشا رو شناسایی کنیم پاسخ ندادیم .

## اهداف قیمتی (2)

روش تخمین اهداف قیمتی رو در پست قبلی مشخص کردیم. همونطور که در اوایل بحث گفتیم ایچی یک سیستمه. پس باید اجزای مختلف رو در کلیت ایچی قرار داد و تفسیر کرد. حتی شما می تونید ریسک به ریوارد رو از این سیستم بگیرید.

حالا روی چارت کرمانشا این اطلاعات رو پیاده می کنیم تا ببینیم چه نتایجی می گیریم .  
(این بحث صرفا کاربرد آموزشی داره و نباید مبنای معاملات روی این سهم قرار بگیره)



دو سوینگ اصلی داریم. یکی بلند مدت (که با فلش سیاه مشخص کردم) و نزولی است. و دیگری سوینگ کوتاه مدت که با فلش آبی رنگ مشخص شده. اینجا سوینگ آبی رنگ برای ما اهمیت داره و باید تحلیل بشه ولی توجه داشته باشیم که مدیریت ریسک باید با توجه به سوینگ بلندمدت انجام بشه. نکته بعدی می بینیم که کندل ها در درون کومو قرار دارند پس باید حواسمون باشه که اینجا سیگنال خرید و فروش رو از سیگنال های خود ایچی نگیریم چون معتبر نیستند .

اولین تارگت ما NT است که 913 تومنه. دو تارگت بعدی هم هستند. معمولا NT و V خیلی به هم نزدیک هستند ولی اینجا می بینیم که V و N در یک محدوده قرار دارند. اگر به NT نگاه کنیم می بینیم در محدوده چندین مقاومت جدی هست. یکی قله اخیر، یکی سقف کومو،

یکی میانگین 103 و یکی هم از خود کندل ها یعنی سقف یکی از سوینگ های کوتاه مدت قبلی (مینور) .

اولین نکته ای که در این چارت می بینیم اگر ما بخواهیم از همین نقطه وارد پوزیشن خرید بشیم با توجه به اولین تارگت، می بینیم که ریوارد ما نسبت به ریسک کمه. پس بهتره اینجا صبر کنیم کندل ها به تارگت اول برسند و از اون عبور کنند سپس وارد خرید شویم. اگر وارد خرید شدیم هدف اصلی ما تارگت دوم و سوم است. این دو تارگت و البته سقف کوموی قبلی به ما هشدار می دن که عبور از این نقطه (1000) نیروی بسیار زیادی می خواد. حدس می زنم اگر کندل ها به حوالی 1000 برسند با توجه به بحث میانگین 103 دوباره یکبار تا 930 (میانگین 103) برگردند (بهترین نقشه ای که می شه برای کرمانشا کشید)

اما حالا اگر کندل ها مثل آخرین کندل میل به نزدیک شدن به اولین تارگت رو نداشتند چطور باید تفسیر کنیم؟ با توجه به اینکه کندل ها در داخل کومو هستند احتمال تشکیل یک موج P یا Y وجود داره (تا با اصلاح زمانی از داخل کومو خارج بشن). اما اگر کندل ها به کیجنسن که فلت شده و یکبار حمایت کرده احترام نگذاشتند و پایین تر رفتن یک سوینگ جدید شکل می گیره که نزولیه و باید وارد محاسبه اهداف قیمتی این سوینگ نزولی بشیم. پس اینجا مهمترین حد ضرر ما همون تکنسن است و با عبور کندل ها از اون اخطار خروج می گیریم .

اینجا برمی گردیم به سوال قبلی که چطور جهت سهم (اینجا کرمانشا) رو تشخیص بدیم؟ برای پاسخ به این سوال باید اولاً روند رو درست بشناسیم. بسته به نوع سوینگی که مورد بررسی است معنا و معیار روند ما هم مشخص می شه. مثلاً اگر یک سوینگ کوچک (مثلاً در انس یا ارزها) رو بررسی می کنیم معیار ما برای تعیین روند تایم فریم همان سوینگی است که بررسی می کنیم. مثلاً برای اسکالپ یا نوسان گیری کاری به سوینگ اصلی نداریم بلکه نوسانات کوچک رو مبنا قرار می دیم .

سوینگ های کوچک باید در نهایت در قالب سوینگ های بزرگتر دسته بندی شوند. مثلاً در چارت کرمانشا تا زمانی که کندل ها از کف اخیر پایین تر نرفتند ما باید همین سوینگ صعودی اخیر رو در نظر داشته باشیم. این کار باید تا زمانی تکرار بشه که ما از سقف قبلی عبور کنیم. در اینصورت سوینگ بزرگتر و بلندمدت (سوینگ آبی در چارت پست قبلی) مبنای کار ما خواهد بود. اما اگر کندل ها از کف قبلی پایین تر رفتند و مخصوصاً از اولین تارگت قیمتی نزولی (734) عبور کردند باید موج نزولی بزرگتر رو تحلیل کنیم.



## TIP

در انتخاب سوینگ ها برای تحلیل حتما باید تناسب بین اهداف و سوینگ وجود داشته باشد. مثلا برای یک تحلیلی که تارگت بالایی نشون می ده نمی تونیم یک سوینگ چند کندلی رو مبنا قرار بدیم. یکی از نشانه های خوب برای سوینگ بلند مدت می تونه عبور کندل ها از کومو یا حداقل یک شیفت کومو باشه. در مقابل، از یک سوینگ بزرگ نمی شه برای اهداف کوتاه مدت استفاده کرد. بنابراین میان A-B-C لزوما باید تناسب وجود داشته باشه.

در همه سوینگ ها چه کوتاه مدت و چه بلندمدت بهترین جایی که می شه وارد پوزیشن شد جایی که کندل ها به NT رسیده باشند و از این نقطه عبور کرده باشند (پولبک زده باشند و یا شکست معتبر داشته باشیم NT). (همیشه اولین تارگت در ایچی است که معمولا هم از قله آخر کوتاه تر و یا در همان حوالی است .

بسیاری مواقع دومین تارگت ما (V) یا (N) مقاومت مهمیه. و شناسایی سود یا پیگیری دقیق روند در این نقطه اهمیت زیادی داره.

در تایم بلندمدت (مثل هفتگی) این تارگت های اهمیت بسیار بیشتری دارند و البته با توجه به کارمزد خرید و فروش در بورس ایران این تایم برای معامله به صرفه تر است .

خیلی از اوقات وقتی کندل ها به تارگت می رسند (مخصوصا تارگت سوم و چهارم) یکبار تارگت قبلی رو تست می کنند. یعنی یک نزول دارم و تارگت قبلی نقش حمایتی مهمی داره.

در بازاری که روند صعودی (نزولی) قوی نداره معمولا تارگت چهارم چندان جدی نیست و کندل ها



جایی بین تارگت سوم و چهارم متوقف می شن .  
 در بورس ایران روندهای نزولی بلندمدت خیلی با این اهداف قیمتی قابل تحلیل نیستند.  
 تارگت های ایچی رو نباید به عنوان نقطه دقیق در نظر گرفت. مخصوصا اگر در تایم هفتگی نگاه  
 می کنیم محدوده قیمتی رو در نظر داشته باشیم.  
 بهترین جا برای استفاده از این تارگت ها زمانی که کندل ها بالای کومو قرار دارند و مقاومت ها  
 غیر ایچیموکویی هستند .

در تصویر زیر وضعیت گذشته چارت کرمانشا نشان داده می شه.



### اهداف قیمتی (3)

بحث پرایس تارگت تمام شده فقط چند نکته وجود داره. مثل همه انواع تحلیل تکنیکال، بازار هیچ  
 اجباری نداره که به تارگت های ایچی برسه. در واقع این تارگت ها برآورد ما از روانشناسی بازار و  
 پتانسیل سوینگ ها است. تا زمانی که سوینگ های ما در جهت اصلی خودشون حرکت می  
 کنند (در جهت موج های بزرگ) می تونیم انتظار داشته باشیم به این تارگت ها برسیم. اما وقتی

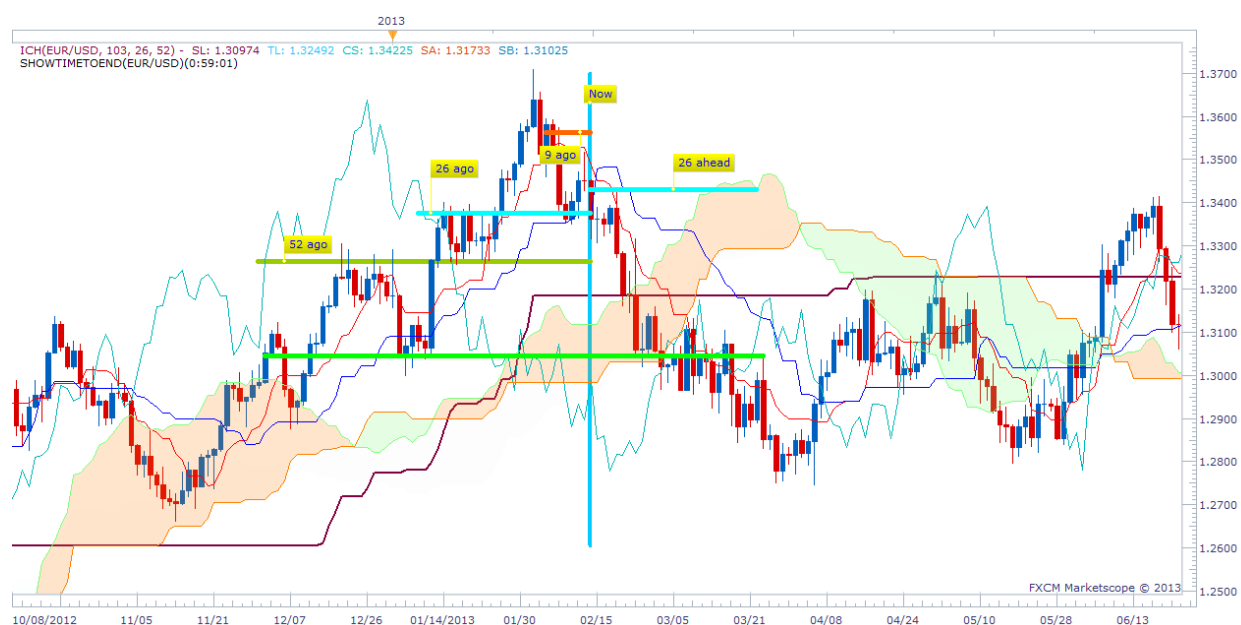


روند ما تغییر کرد طبیعی که تارگت ها هم منتفی می شن. فراموش نکنیم هیچ قطعیتی در بازار (و البته در کل زندگی) وجود نداره .

بنظر من نظریه امواج در ایچی یک مزیت نسبت به موج شماری الیوتی داره و اون اینه که کمتر ساجکتیوه. یعنی دو نفر وقتی به چارت نگاه می کنند احتمالا به تارگت ها مشابه ای می رسند ولی در الیوت می دونیم که برای یک چارت می شه ده ها ورژن موج شماری کرد. اما یک عیب بزرگ داره و اون اینه که دائما باید چک کنید ببینید کجای کار هستید .

## تحلیل زمانی (1)

شاید ابتدا باید به اهمیت زمان در چارت ایچیموکو تاکید می کردم ولی این بحث رو در این قسمت دنبال می کنیم. مهمترین ویژگی ایچی اینه که تصویری از چارت ارائه می ده که گذشته، حال و آینده رو برامون مشبک می کنه. در واقع با شبکه بندی چارت به ما بسهولت نشون می ده که به نسبت گذشته کجا هستیم و در آینده چطور می تونیم روند رو تحلیل کنیم. یعنی این چارت همزمان محور عمودی (قیمت) و محور افقی (زمان) رو برای ما معنادار می کنه. لازمه به این نکته اشاره کنم که چارت ایچی رو باید با نمودار کندلی دید و نمودار خطی (لاین چارت) نمی تونه مفید باشه. در انتهای بحث ایچیموکو درباره رابطه کندل ها با ایچی بحث می کنیم و درباره کندل های هیکن آشی و کاربرد و اهمیت اون هم موضوعاتی رو مطرح می کنم.



در تحلیل زمانی بدنال چه چیزی هستیم؟

هدف ما از تحلیل زمانی چه در ایچی و چه در سبک های تحلیلی دیگه اینه که زمان تغییر رو تخمین بزنیم. مثلا در موجشمارگی الیوتی بدنال این هستیم که بینیم موج 2 اصلاحی ما چقدر زمان می بره و یا موج 3 ما از نظر زمانی همچنان ظرفیت پیشرفت داره یا خیر. البته از تحلیل زمانی در تحلیل تکنیکال استفاده های دیگری هم می شه. مثلا برای شناخت و تمیز پیوت ها از

معیار زمان استفاده می کنیم و یا در شناخت حمایت / مقاومت وقتی با یک ح/م که زمان زیادی به عنوان ح/م بوده مواجه هستیم تحلیل متفاوتی داریم. یعنی مساله زمان در تحلیل تکنیکی همیشه وجود داشته ولی کمتر مورد توجه ما هست .

هدف ما از تحلیل زمانی ایچی شناخت «روز تغییر» یا به زبان ژاپنی کیهون سوشی (kihon suchi)

است. با استفاده از این شیوه ما درصد شناخت زمان تغییر روند هستیم. وقتی از روند حرف می زنیم می توانیم روند یک سویه را در نظر داشته باشیم و یا روند یک موج بلندمدت. به این ترتیب طی محاسباتی انتظار داریم در کندل خاصی تغییر روند رخ بده.

برای محاسبه روز تغییر و یا کندل تغییر مبنای تحلیلی ما اعداد خاصی است که از خود ایچی گرفته شده. می دونیم اعداد 9 و 26 در ایچیموکو اعداد پایه ای هستند. علاوه بر این دو، عدد 17 هم یکی از اعداد پایه ای است. بدنبال این اعداد پایه ای یکسری اعداد ترکیبی هم وجود دارد که از جمع این اعداد بدست میاد .

اعداد تحلیل زمانی

اعداد پایه ای

اعداد ترکیبی

9 - 17 - 26 33 - 42 - 52 - 65 - 76 - 129 - 172 - 226 - 676

هر کدام از این اعداد معنای خاصی در تحلیل زمانی ایچی دارند .

دو ملاحظه کلی

-قبلا گفتیم در تایم هفتگی 9 کندل یعنی 9 هفته معادل 2 ماه تقویمی است و 26 کندل / هفته معادل 6 ماه و 52 کندل معادل یکسال تقویمی است. این اعداد ثابت ایچی در تایم روزانه اینطور تفسیر شده اند که 9 نمایانگر میانگین کوتاه مدت، 26 نمایانگر میانگین میان مدت و 52 نمایانگر میانگین بلندمدت است. البته اینطور هم گفته می شه که 9 یعنی یک هفته و نیم، 26 یعنی یک ماه کاری و 52 یعنی دو ماه کاری که این تفسیر خیلی دقیق نیست. نکته کوچکی اینجا هست. درباره بحث تایم همیشه این بحث هست که ما باید زمان کاری یا زمان تقویمی رو مبنا قرار بدیم؟ زمان کاری 22 روز در ماه است ولی زمان تقویمی 30 روز. حالا وقتی می گوییم یک ماه باید صبر کنیم یعنی 22 کندل صبر کنیم یا 30 روز تقویمی؟ مثلا نمادی این هفته بسته می شه و

می ره مجمع، 5 روز ممکنه نماد بسته باشه. حالا وقتی تحلیل زمانی می کنیم و به هر طریقی به این نتیجه می رسیم که طی یک ماه آتی این نماد یک صعود داره، آیا مقصود ما یک ماه تقویمی است یا یک کندل ماهیانه (که بر مبنای روز اداری و کاری تشکیل می شه)؟ نکته ظریف ایچی اینه که اعداد پایه ای خودش رو بر مبنای کندل های هفتگی انتخاب کرده و این تفاوت زمان تقویمی و زمان اداری رو از بین برده. یک کندل هفتگی در طول یک هفته تشکیل می شه و مهم نیست که در این هفته در تمام روزهای اداری بازار فعال بوده یا خیر. ولی این به معنای این نیست که این اعداد فقط در تایم هفتگی مورد استفاده هستند بلکه در واقع در تایم هفتگی اعداد پایه ای رو غسل تعمید داده و اصالت این اعداد رو از اونجا گرفته. ممکنه ما هر عددی رو برای تحلیل خودمون بکار بگیریم ولی وقتی اعداد مورد نظر ما مبنای توجیه پذیر داشته باشند بهتر می توند رفتار جمعی خریداران و فروشندگان رو تبیین کنند.

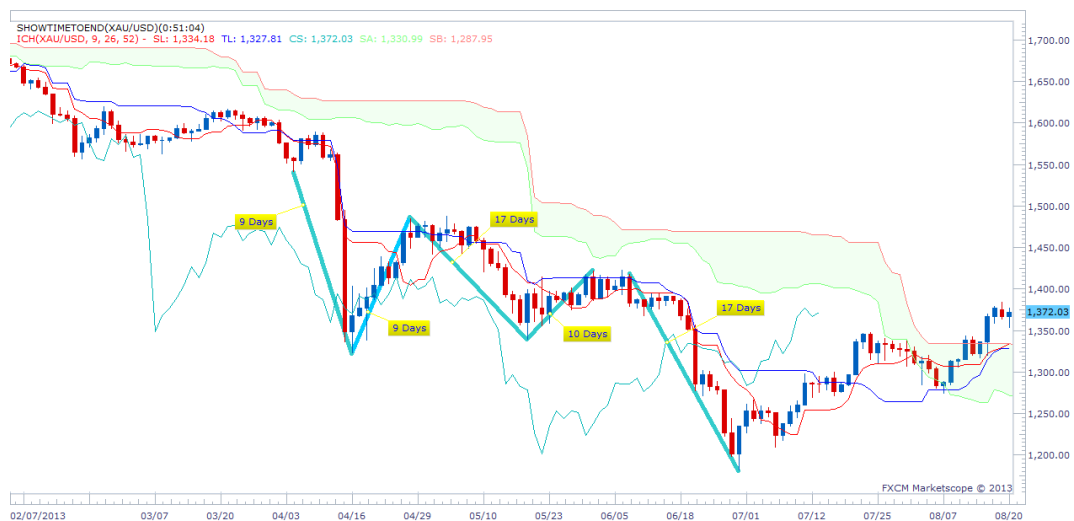
اعداد 9 و 26 اعداد ثابت ما هستند که دیدیم در ایچی چه نقشی دارند. وقتی 26 رو منهای 9 کنیم عدد 17 بدست میاد. بعلاوه به فرمول SpanA که نگاه کنیم در واقع میانگین 9 و 26 با هم جمع می شوند و تقسیم بر 2 می شوند. یعنی با جمع کردن این دو عدد (35) و تقسیم بر 2 باز هم به عدد 17 می رسیم. سایر اعداد که اعداد هم ترکیبی هستند و محصول جمع کردن اعداد پایه ای با هم هستند .

-اگر با موجشماری الیوتی آشنا باشید در این سبک تحلیلی ما سعی می کنیم فراکتال ها رو شناسایی کنیم. کندل فراکتال، بطور خلاصه، کندلی است که های / لو (High/Low) این کندل همزمان از دو کندل قبلی و بعدی بالاتر (پایین تر) باشه. اما در ایچی ما با فراکتال کاری نداریم بلکه با کندلی کار داریم که یک سوینگ کوچک یا بزرگ ایجاد کرده. به عبارت دیگه کندلی که در چارت ما حرکت کندل ها رو از وضعیت خطی خارجی کرده و نوعی نوسان در بازار ایجاد کرده مورد نظر ماست. این نوسان می تونه نوسان شدید باشه یعنی یک روند صعودی ناگهان به یک روند نزولی تبدیل کرده و یا یک موج کوچولو رو تغییر داده (چیزی شبیه پیوت که می تونه مینور یا ماجور باشه).

پس برای تحلیل زمانی ما به سقف ها و کف ها نگاه می کنیم. در تحلیل زمانی ایچی ما انتظار داریم بعد از یک های یا لو مهم به ترتیب در کندل 9-17-26-33 و ... روند تغییر کنه. منظور از تغییر روند لزوما تبدیل مثلا روند صعودی به نزولی نیست بلکه وقتی روند نزولی به سایدوی تبدیل می شه هم در واقع روند تغییر کرده چون روند نزولی متوقف شده. علاوه بر اون انتظار نداریم وقتی روند تغییر می کنه حتما روند قبلی به پایان رسیده باشه. بلکه وقتی روند تغییر می کنه این امکان وجود داره که بعد از مدتی دوباره همان روند قبلی ادامه پیدا کنه. البته هر چه تغییر در اعداد بزرگتری بوجود بیاد احتمال تغییر کلی روند بیشتر می شه. همینطور در اعداد بزرگ سوینگ

های ما تغییر قیمتی بیشتری خواهند داشت.

برای شروع تحلیل زمانی ابتدا باید یک های یا لو مهم رو انتخاب کنیم. بعد از این کندل مهم شروع به شمارش کندل ها می کنیم. ابتدا زمان تشکیل نهمین کندل بعدی رو مشخص می کنیم سپس کندل شماره 17 و 26 رو تعیین می کنیم. حالا روی چارت منتظر می مونیم ببینیم کندل ها به این تحلیل زمانی چه واکنشی نشون می دهند . در تصویر زیر بر روی چارت روزانه انس شمارش کردم. اینجا برای آشنایی اولیه با مفهوم تحلیل زمانی تنها سعی کردم فاصله زمانی های (High) یا لو ها (Low) رو نشون بدم و یک سیستم زمانی یکپارچه رو هنوز تعریف نکردم. در این چارت می بینیم که در روزهای خاصی تغییر روند داشته ایم. یکی از این دوره ها 10 روزه است. دقت کنید که وقتی می گویم 9 یا 17 روز یا اعداد دیگر لزوما این اعداد مورد نظر نیست بلکه با یکی دو روز تقدم و تاخر می شه این انتظار رو داشت که تغییر رخ بده.



این بحث مقدماتی تحلیل زمانی بود که در ادامه از نزدیک با این تحلیل آشنا خواهیم شد.

قبل از اینکه بحث تحلیل زمانی رو ادامه بدیم امروز روی چارت سکه نقدی نکته ای وجود داشت که بد ندیدم این رو با دوستان در میان بگذارم.

در بحث میانگین های ایچی گفتیم که این میانگین ها نقش حمایتی / مقاومتی مهمی دارند. در چارت سکه می بینیم که کوموی ضخیمی وجود داره. که مقاومت محکمیه. این کومو نزولیه یعنی (SpanB میانگین 52 روزه) بالاتر از (SpanA میانگین تکنسن 9 روزه و کیجنسن 26 روزه) قرار داره. اگر دقت کنیم از 8 کندل قبل اسپن بی شروع به کاهش کرده و احتمال یک شیفت کومویی وجود داره. چون میانگین بلندمدت داره میاد پایین و احتمالاً می دیم که زیر میانگین کوتاه مدت بره پس این یک شیفت می تونه نشانه مثبت باشه و احتمال صعود رو می تونه بوجود بیاره. با این حساب ما ممکنه وارد پوزیشن خرید بشیم و احتمال بدیم که یک صعود در راه باشه. مخصوصاً اگر به کندل دیروز و امروز نگاه کنیم و کندل ها رو بشناسیم حدس می زنیم که احتمالاً یک ترکیب برگشتی داره بوجود میاد .

اما اینجا نکته ای وجود داره که قبلاً با عنوان «تخیل چارتی» ازش یاد کردم. کندل روز قبل باعث شده یک سیگنال نزولی قوی صادر بشه (یعنی کراس نزولی تکنسن و کیجنسن در زیر کومو) اما این کندل با کندل امروز که هر دو صعودی هستند یک واگرایی با این سیگنال دارند (که نکته خوبیه) و بویژه می بینیم که قبل از رسیدن به کف قبلی برگشتند باز هم این نکته خوبیه. پس نکات مثبت چارت اینه که احتمال شیفت کومویی مثبت وجود داره، کندل برگشتی نسبتاً قوی داریم، کندل ها قبل از رسیدن به کف قبلی برگشتند. اما مسیر روبرو رو که نگاه می کنیم کمی باید احتیاط کنیم. کومویی که بالای سر کندل ها هست کوموی ضخیمی است. یعنی عبور کندل ها از این کومو نیازمند نیروی خرید بسیار قوی است. مهمتر از اون می بینیم که تکنسن و کیجنسن فاصله کمی با کومو دارند و خود اینها هم مقاومت مهمی هستند. اگر فرض بگیریم کندل ها پایین از نقطه فعلی نرن تکنسن طی سه روز آتی در همین نقطه بصورت فلت ادامه خواهد داشت. اما مهمتر از اون می بینیم که های در دوره 26 روزه تا 16 روز دیگه تغییر نخواهد کرد. یعنی کندل 26 تا کندلی که های در دوره 26 روزه است 16 روز فاصله داره. حالا اگر حتی فرض بگیریم که کندل ها پایین تر نرن طی 16 روزه آتی کیجنسن بصورت فلت زیر کومو ادامه خواهد داشت پس در واقع دو لایه مقاومت مهم در برابر کندل ها وجود خواهد داشت که شکستن این محدوده مقاومتی نیازمند قدرت قابل توجه در جبهه خریداران است. درباره شیفت کومو هم عملاً طی 11 روز آینده نمی تونیم انتظار کاهش قابل توجه میانگین 52 روزه باشیم چراکه کندلی که هایست های 52 روزه است 9 روز با کندل 52 روز گذشته فاصله داره و



دو کندل بعدی هم فاصله قابل توجه ای با اون ندارند. پس می تونیم اینطور جمع بندی کنیم که نشانه های مثبت این چارت حداقل از نظر زمانی هنوز قابلیت تاثیرگذاری روی چارت رو ندارند و هنوز حداقل 15 تا 20 کندل با شرایط مناسب برای یک صعود فاصله داریم. البته همه اینها با این فرضه که در 15 روز آینده نزول بیشتری نداشته باشیم .



## تحلیل زمانی (2)

بحث تحلیل زمانی رو ادامه می دیم .

اعداد پایه ای

9	Passage	Period one	One Round Or Cycle
17	Section II		
26	Section III		
33		Period two	
42			
52			
65		Period three	
76			

9مهمترین عدد ماست. 17 حاصل جمع 9 با 9 منهای 1 است. علت این تفریق اینه که وقتی مثلا ما یک موج 7 داریم کندلی که در کف این 7 است در هر دو طرف شمارش می شه بنابراین برای اینکه دوباره شمارش نشه اینجا منهای یک می کنیم. عدد 26 حاصل جمع 9 و 17 است که اینجا به دلیل نقش کلیدی 26 منها نداریم. بقیه هم همینطور محاسبه می شوند. البته اعداد دیگری هم در این سلسه وجود دارند و یا نوع شمارش بعد از 52 متفاوت می شه که فعلا خیلی اهمیت نداره. مهمترین اعداد ما 9 و 17 و 26 است که اعداد پایه ای نامیده می شوند و سپس اعداد 33-42-52-65 و 76 .

این اعداد نام های اختصاصی هم دارند که در جدول بالا اومده. پاساژ یعنی محلی عبور از یک نقطه به نقطه دیگر یعنی معبر. معنای پاساژ در اینجا اینه که ما از یک وضعیت به وضعیت دیگری

تعبیر جهت داده ایم اما هنوز فعلا قطعی نیست و در این راه معبری درست کرده ایم. در کندل 17 ما به انتهای بخش دوم می رسیم و کندل 26 انتهای بخش سوم است. این سه بخش یک دوره را شکل می دهند. با تشکیل سه دوره یک راند و یا سیکل تمام شده است . کسی که در ژاپن روی تئوری زمانی ایچی پژوهش های زیادی کرده (Yamabito) معتقد به بازار مثل موجودات زنده دوره های مختلفی رو طی می کنه و از مرحله ای به مرحله دیگه می ره. ژاپنی ها البته به تحلیل زمانی اهمیت زیادی می دن حتی معتقدند چارت بیش از اینکه به قیمت مربوط باشه به زمان مربوطه! یعنی نباید قیمت رو مبنای تحلیل چارت قرار داد بلکه زمان موضوع مهمتریه. این مفهوم برای ما کمی پیچیده به نظر می رسه ولی اگر با تاریخ ژاپن معاصر آشنا باشید و علاوه بر اون جغرافیای ژاپنی رو تصور کنید شاید حق با ژاپنی ها باشه. اما واقعیت اینه که چارت رو که نگاه می کنیم کمی فهم این موضوع دشواره و باور پذیر نیست. نظریه تحلیل زمانی ژاپنی مثل زبان ژاپنی انقدر دشوار و پر و پیچ و تابه که افراد کمتر رغبت می کنند وارد این نوع تحلیل بشن. من سعی می کنم بشکل ساده تری این موضوع رو پیش ببرم.

4نوع متفاوت از تحلیل زمانی وجود داره:

-اعداد پایه ای

-اعداد برابر

-کابینت (اعداد پایه میدل سوینگ) اگر اعدا پایه ای نبودند کابینت نیست

-اورلپ یا قدرت کاذب

-تحلیل بر مبنای اعداد پایه ای

وقتی یک سوینگ آغاز می شه احتمال می دیم همینطور که کندل ها جلو می رن وقتی به اعداد پایه ای می رسند تغییر جهت رخ بده. مثلا فرض کنید کندل امروز پایین ترین (لوست لو) کندل ما است و یک سوینگ بطرف بالا شروع شده. از این کندل می شماریم و تاریخ (یا در تایم پایین تر ساعت) کندل نهم رو مشخص می کنیم (همینطور کندل هفدهم، بیست و ششم و ...). انتظار داریم در محدوده این کندل ها (مثلا 1 کندل قبل تا دو کندل بعد بویژه در اعداد بزرگتر) از این کندل شاهد تغییر جهت باشیم. معنای تغییر جهت اینه که مثلا کندل نهم بر خلاف مسیر کندل هشتم حرکت کنه. علاوه بر این مهم نیست که این تغییر اساسی است یا موقت. اما همونطوری که در تعاریف شماره های بالا گفتم هر انتظار داریم این تغییرات در اعداد خاصی معنا دار باشه.

مثال 1 - در تصویر زیر به شماره کندل ها نگاه کنید. چارت 15 دقیقه انس، کندل استارت ما 8/ 21  
2013/ ساعت 19.30 (چهارشنبه)



همینطور که می بینید در کندل شماره 10 بعد از اینکه نزول با سه کندل سایدوی شده بود دوباره ادامه یافته (تغییر سایدوی به نزول)  
کندل 16 تبدیل نزول به صعود  
کندل 26 تغییر صعودی به نزولی  
کندل 34 انتهای نزول  
کندل 43 صعود بعد از دو کندل نزولی  
کندل 52 آغاز نزول  
کندل 65 تغییر نزول به صعود  
کندل 76 تغییر از صعودی به نزولی

برخی از تغییرات شاید از نظر شما بی معنا باشد (مثل 10 - 43 یا 65) ولی توجه کنید که ما درباره بازار آزاد و بدون محدودیت دامنه نوسان حرف می زنیم. بنابراین این تغییرات در کلیت خودشان معنادار هستند.

## مثال 2: چارت هفتگی نفت خام



### تحلیل زمانی (3)

تحلیل زمانی بر مبنای اعداد پایه ای رو در پست قبل مرور کردیم. چند نکته اضافی باید توضیح بدم. این نوع موجشماری رو با انواع دیگه مثل الیوت مقایسه نکنید. ما در این نوع موجشماری تنها بدنال روز تغییر هستیم نه روندهای کلان .

این نوع موجشماری در بازارهای بدون دامنه نوسان بهتر جواب می ده و در بازاری مثل بورس که محدودیت نوسان 8 و 10 درصدی داره نباید انتظار زیادی از این نوع موجشماری داشت. اما اگر قصد استفاده از این نوع موجشماری رو دارید بهتره یا در تایم هفتگی موجشماری کنید و یا اگر در روند اصلاحی یک سهم قصد بررسی چارت رو دارید بهتر در تایم کمتر از روزانه موجشماری کنید. تایم نیم ساعته تایم خوبییه .

نکته بعدی پایان شمارش به معنای پایان روند نیست. بلکه ما در کندل شماره 76 یک راند یا سیکل رو به پایان بردیم. علاوه بر این اعداد مختلف معانی مختلف دارند. مثلا 9 به عنوان معبری برای حرکت جدید است (پاساژ)، 17 به معنای انتهای بخش دوم و 26 به معنای انتهای بخش سوم است. در 26 در واقع ما یک پریود یا دوره زمانی رو اکمیل کرده ایم. یک راند (76 کندل) دارای سه پریود است. اینجا به اعداد اصلی ایچی توجه کنیم: در نقطه ای که کندل امروز قرار داره ما از میانگین 52 دوره قبل شروع می کنیم و 26 دوره به جلو شیفت می دیم. یعنی در هر

کندل ما تصویری از یک دوره 77 کندلی داریم. به عبارت دیگر چارت ما یک ساختار رو به نمایش می گذاره و ما حرکت کندل ها رو بر مبنای این ساختار تفسیر می کنیم. نکته آخر برای شروع شمارش از جایی شروع کنید که معنادار باشه. مثلا یک روند صعودی رو نباید از نقطه ای که اصلاحی است شمارش کنیم و یا یک روند بلند مدت رو نباید از یک نقطه شروع کنیم که در کلیت روند جای معناداری نیست . وقتی روندی رو شمارش می کنیم و روند بطور همچنان ادامه داره (مثلا از 100 کندل بشتر می شه) بهتره این کار رو در تایم بالا انجام بدیم. مثلا کندل 129، 176، 226 و 676 (که از اعداد ایچی هستند) مخصوصا در بازار بورس خیلی معنادار نمی تونه باشه پس بهتره شمارش رو در تایم بالاتر انجام بدیم .

نقد این نوع شمارش: این نوع شمارش داده های خوبی به ما می ده و اغلب اوقات می بینیم که کندل ها طبق پیش بینی از روند قبلی خود متفاوت هستند. اما مساله اینه که همه تغییرات چارت رو تبیین نمی کنه. به عبارت دیگر ما در اعداد پایه ای ایچی احتمالا تغییر می بینیم ولی در کندل های دیگری هم که این اعداد نیستند باز هم تغییر می بینیم. علاوه بر این وقتی تغییر رخ می ده میزان این تغییر چقدره؟ از کجا بدونیم ما با یم اصلاح دو سه کندلی روبرو هستیم یا یک اصلاح عمیق تر؟

این اشکالات به همراه اشکالات دیگری مانع از این شده این نحوه شمارش بصورت فراگیر مورد استفاده قرار بگیره. با این حال برخی تلاش کردند این روش رو بطور شخصی تغییر بدهند و به شکل دیگری استفاده کنند. مثلا قبلا از "کریس" نام بردم. کریس شیوه های خاصی برای شمارش داشت که از این شمارش حتی سیگنال می گرفت. متاسفانه نحوه کار کریس رو فراموش کردم ولی یادمه فار - کس - بازها استقبال زیادی از این نحوه شمارش داشتند. اگر کسی از دوستان با تکنیک های کریس آشنا است لطف کنه اینجا توضیح بده (سایتی که کریس می نوشت تعطیل شده متاسفانه)

### کیهون سوشی و شمارش بر مبنای اعداد برابر

نوع دیگری از شمارش وجود داره که بجای اعداد پایه ای ایچی از اعداد برابر استفاده می شه. با توجه به شباهت این روش با روشی که به نام "کیهون سوشی" معروفه این دو روش رو که خیلی مهم اند و خودم معمولا به این روش علاقمندم اینجا توضیح می دم. ابتدا کیهون سوشی: کیهون سوشی به معنا روز تغییره ولی شیوه خاصی از شمارش وجود داره که معمولا به این نام شناخته می شه. برای شمارش چارت به روش کیهون سوشی باید دنبال پترن های خاصی



باشیم. مثلا یک سقف دوقلو رو در نظر بگیرید. در سقف دو قلو یک روند داریم که به سقف می رسه بعد یک پایینی داریم و سپس یکبار دیگه حرکت به طرف سقف رو داریم. و در ادامه نزول داریم تا سوینگ قبلی که پایین اومده. در تحلیل تکنیکی غربی اینجا انتظار داریم به اندازه فاصله این سوینگ یک نزول داشته باشیم. اما در کیهون سوشی ما قاعده دیگری رو رعایت می کنیم که به ما اندازه زمانی موج رو می ده .

وقتی یک پترن داریم مثل سقف یا کف دو قلو که فاصله هر قل مضربی از 9 است انتظار داریم کندل ها به هر طرف که رفتند به تعداد (کندل های قل اول بعلاوه تعداد کندل های قل دوم بعلاوه عدد 9) به همان طرف حرکت کنند. مثلا در تصویر زیر می بینیم که یک سقف دو قلو داریم که هر قل 18 کندل زمان برده (هجده در واقع برابر است با  $9 + 9$ ). وقتی سقف دوم داره شکل می گیره و احتمالا سقف دولو می دیم و می دونیم که تعداد کندل های قل اول مضربی از 9 است به انتظار می نشینیم تا کندل ها به کف سقف دولو برسند. اگر این کف دوم هم در زمان مشابه ای یعنی در همان زمان قل قبلی تشکیل شد منتظر می مونیم وقتی کندل ها به هر سو رفتند انتظار داریم به تعداد کندل های سقف دوقلو بعلاوه 9 کندل به همان طرف حرکت کنه. اینجا هم دوباره تاکید می کنم ما می تونیم یکی دو کندل رو اغماض کنیم و اینها رو هم در قالب مضرب 9 بدونیم. مثلا یکطرف 10 کندل و طرف دیگر 11 کندل مانند دو طرفی هستند که 9 کندل داره .



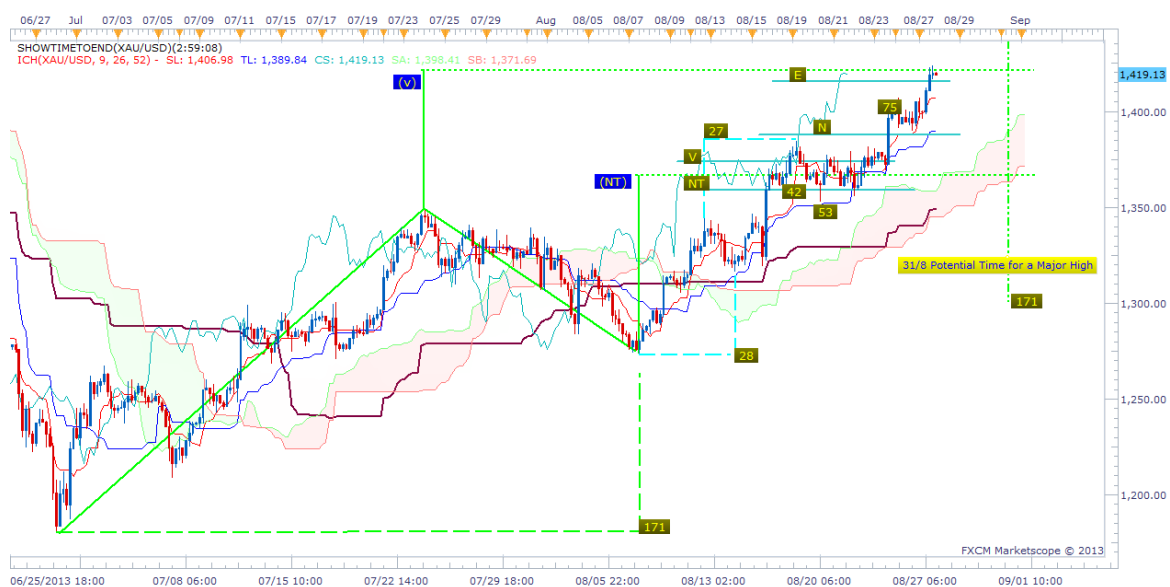


درباره اینکه چه پترنهایی رو می تونیم اینطور تحلیل کنیم فعلا سقف و کف دو قلو رو در نظر داریم .

بحث **اعداد برابر** مانند کیهون سوشی است با این تفاوت که ما از این روش برای تخمین آینده روند استفاده نمی کنیم بلکه خود سوینگ رو مورد بررسی قرار می دیم .  
 برای مثال فرض کنید یک موج V داریم و دوباره یک V داره شکل می گیره (همانند سقف یا کف دو قلو). ما ابتدا V اول رو شمارش می کنیم وقتی تعداد کندل ها مضربی از 9 نیستند، هر تعداد کندلی که این V زمان برده انتظار داریم که احتمالا V دوم هم همان تعداد کندل داشته باشه. اینجا در زمان تکمیل V دوم شمارش ما هم به پایان می رسه. به عبارت دیگه ما فقط زمان اتمام رو تحلیل می کنیم و نه روند بعدی .



مطابق این تصویر جمعه شب یا دوشنبه صبح باید منتظر یک هایست های در انس باشیم. جایی بین 1450 تا 1485. این موضوع سومین نوع موجشماری ایچیموکویی است.



## تحلیل زمانی (4)

امشب امیدوارم بحث تحلیل زمانی به پایان برسه.

گفتیم چهار نوع تحلیل زمانی در ایچی وجود داره که از این طریق تلاش می کنیم کندلی که احتمال تغییر وجود داره رو شناسایی کنیم. اولین نوع تحلیل، تحلیل بر مبنای اعداد پایه ای در یک روند بود. دومین نوع تحلیل بر مبنای اعداد برابر در پترن ها بود که همین جا بحث کیهون سوشی هم مطرح شد. کیهون سوشی از همه این انواع تحلیل زمانی مهمتره. دو نوع تحلیل دیگر هم هست که یکی با نام کابینت و دیگری با نام اورلپ شناخته می شه .

کابینت و اورلپ هر دو در واقع نوعی سیکل رو شناسایی می کنند. اگر نظریه امواج رو بخاطر داشته باشید ما یک نوع موج داشتیم که بصورت N بود. منظور از سیکل همین N است. انتظار داریم وقتی پایه اول N در یک دوره زمانی که مطابق اعداد پایه ای رخ داده، پایه سوم هم در همان تعداد کندل رخ بده. مثلا فرض کنید یک حرکت صعودی داریم و طی 33 کندل تکمیل شده. بعد یک اصلاح داریم که کاری به تعداد این کندل ها نداریم. حالا در ابتدای حرکت صعودی پس از اصلاح هستیم. اینجا انتظار داریم این حرکت هم طی 33 کندل تکمیل بشه .



اما گاهی این اتفاق در یک موج N رخ نمی ده بلکه در یک موج I چنین وضعیتی وجود داره ولی نوسانات کوچکی هستند که می تونیم از طریق اونها زمان احتمالی تغییر رو پیدا کنیم. به همین

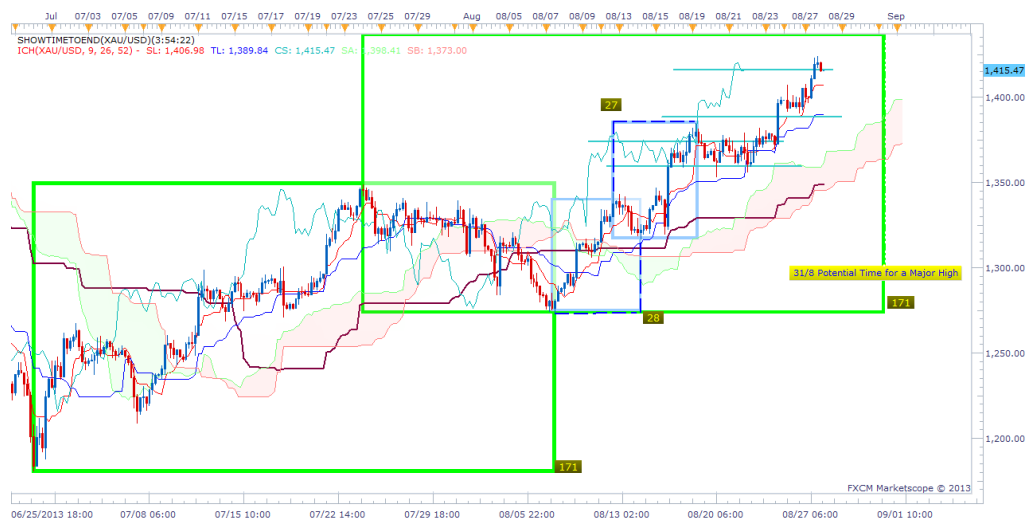
دلیل به این نوع تحلیل زمانی اورلپ یا "ری درفت" گفته می شه. در واقع در اورلپ ما برخی کندل ها رو بازشماری می کنیم .



اگر هر یک از این دو نوع شمارش بصورتی بود که ما اعداد پایه ای نداشتیم می تونیم انتظار داشته باشیم که اینجا هم از اعداد برابر استفاده کنیم. پس اعداد برابر را فقط برای پترن سقف یا کف دوقلو در نظر نمی گیریم بلکه در سیکل هایی که به شکل N هستند هم می تونیم بکار بگیریم.



نوع دیگری از شمارش هم وجود دارد که ما در موج های N از های به های و از لو به لو (High - LOW) شمارش می کنیم. یعنی در واقع در یک N ، ما دو V داریم که یکی مثل عدد 7 فارسی و دیگری مثل عدد 8 فارسی است. در اینجا هم می توانیم روز احتمالی تغییر رو شناسایی کنیم .



در پایان بحث تحلیل زمانی باید مجددا تاکید کنم که با این نوع شمارش کندل ها ما در واقع درصد شناخت کندلی هستیم که احتمال می دیم تغییر در این کندل رخ می ده. این تغییر می تونه دامنه بزرگ یا کوچکی داشته باشه که اگر تحلیل زمانی رو در کنار دو بعد دیگر یعنی تحلیل امواج و تحلیل میانگین ها بکار ببریم می توانیم تا حدود زیادی دامنه تغییرات رو تخمین بزنیم. با این همه،

در جهان غیر ژاپنی از تحلیل امواج و زمانی کمتر استفاده می شه. یکی از دلایل اون می تونه پیچیده و سردرگم کنندگی این نوع تحلیل باشه. پیشنهاد می کنم اگر قصد استفاده از این نوع تحلیل رو چه در بعد زمانی و چه امواج دارید حتما از یک نقطه مهم روی چارت شروع به این کار بکنید. در آخرین تصویر دقت کنید. ما از یک لو مهم شروع کردیم و همینطور که چارت گسترش پیدا می کنه تحلیل زمانی و امواج رو هم ادامه می دیم. نکته مهم دیگه اینکه حتما در جهت روند تحلیل کنید. در یک روند نزولی نمی تونید تحلیل زمانی و امواج صعودی کنید (مثلا یک سوینگ رو بگیرد و خلاف روند تحلیل کنید و یا این سوینگ خلاف روند رو مبنا و نقطه آغاز بگیرد) نکته مهم دیگه اینکه ایچیموکو یک سیستمه پس باید نوعی از تحلیل امواج و زمانی رو در تحلیل



میانگین ها داشته باشید در غیز این صورت مثل خیلی ها گمان می کنید ایچی دارای نویز زیادی است. لزوماً از قواعد ایچی برای تحلیل زمانی و امواج پیروی نکنید بگردید ببینید خودتون در این سیستم چه چیزی رو می تونید جایگزین کنید (مثلاً برای من میانگین 103 تا حدودی تحلیل امواج و زمانی رو در خودش داره)

فراموش نکنید بازار بورس ایران بازار مسقفه. محدودیت دامنه نوسان و حجم مینا خیلی از اوقات کار رو برای تحلیل ایچیموکویی سخت می کنه. به همین دلیل بهتره همیشه به تایم بالاتر (و گاهی تایم پایین) برای تایید تحلیل نگاه کنید .

ایچیموکو مبتنی بر بازتاب قیمت در کندل ها است و نه قیمت پایانی. کندل ها رو باید فهمید. لزومی نداره اسامی مختلف مثل هامر و هنگینگ من و ... رو حفظ کنید. سعی کنید به کندل ها نگاه کنید و درکی از قدرت خریدار و فروشنده در آنها رو پیدا کنید. کار بسیار ساده ای است. ببینید کندل ها کجا باز شده اند، چه نسبتی با کندل قبلی دارند، تا کجا رفته اند و کجا بسته شده اند. در پست بعدی درباره کندل ها و نوع خاصی از کندل ها بنام هیکن آشی بیشتر توضیح می دم. همینطور به مفهوم میانگین ها توجه کنید. چرا تکنسین می تونه حمایت یا مقاومت باشه؟ کیجنسن فلت که ح/م سختی است چرا سخته؟ آیا اینها می تونند معیاری برای اندازه گیری قدرت گاوها و خرس ها باشند؟

در ایچیموکو بگردید واگرایی ها و همگرایی ها رو پیدا کنید. برای دیدن واگرایی لزوماً نیازی به آر اس آی و مکدی نیست. در ایچی خیلی راحت می تونید واگرایی یا همگرایی ها رو ببینید . بعلاوه توجه کنید که در تحلیل چارت فقط به امروز نگاه نکنید. امروز در یک سیکل 77 دوره ای (یعنی 52 دوره گذشته تا 26 دوره بعد) معنا داره. اگر این سیکل رو در نظر نگیرید بخش زیادی از اطلاعاتی که ایچی به شما می ده عملاً از چشم شما غایب می شه. علاوه بر این تخیلی از ادامه چارت داشته باشید. مثلاً کیجنسن الان در نقطه ای بصورت فلت قرار داره و حمایت سخته. نگاه کنید به عقب و شروع به شمارش کنید ببینید چند روز دیگه فلت خواهد بود. اگر از حالت فلت خارج شد رو به بالا خواهد بود یا پایین؟ آیا باز هم حمایت خواهد بود؟ این دقیقاً تحلیلی زمانی به شما ارائه می ده (به توضیحات چارت سکه در پست های قبلی نگاه کنید). و نکته نهایی ایچی شما رو از عناصر دیگر مثل خط روند، کانال، چنگال اندرو و ... بی نیاز نمی کنه. اتفاقاً وقتی این عناصر مبنایی تحلیل رو وارد ایچی می کنید نتایج بسیار خوبی بدست میاد. مثلاً وقتی یک خط روند دارین که از درون کومو گذشته این نشانه شکست ناپذیری بیشتر در کومو است. اگر خط روند پایین کومو است مطمئن باشید اگر خط روند شکست و پولبک خوبی زد حتماً از کومو عبور می کنه زیرا بعد از این شکست یک نیروی جدید وارد می شه و قدرت کندل ها

رو افزایش می ده. اگر بالای کومو است بدونید عبور از این روند بسیار دشوار خواهد بود چراکه نیروی اصلی روند در خود کومو به تحلیل رفته و توان عبور از خط روند وجود نخواهد داشت.



## یار مهربان ایچی؛ کندل ها

همه ما درباره شمع های ژاپنی و دسته بندی اونها مطالب زیادی خونديم. بعید می دونم 95 درصد افراد اسامی این کندل ها رو حفظ کرده باشند و یا در تحلیل چارت از اون استفاده کنند. اما تریدرهای زیادی در بازارها مخصوصا بازارهای جهانی هستند که فقط و فقط از کندل ها برای ترید استفاده می کنند. بازار ما به دلیل شرایط خاص خودش مانند حجم مبنا و محدودیت لعنتی دامنه نوسان و البته بازی بزرگان کمتر اجازه می ده که تحلیل کندل ها جدی گرفته بشه. ولی معتقدم اگر فهمی از کندل ها داشته باشیم و این فهم رو با ایچی ترکیب کنیم می تونیم نتایج بسیار خوبی بگیرییم .

ابتدا همه چیزهایی که درباره کندل ها خونديد و می دونيد رو فراموش کنید. کندل ها عصاره قدرت خریدار و فروشنده رو نشون می دند. همین ابتدا بگم که اساسا فروشنده هیچ اهمیتی در تحلیل تکنیکال نداره. درسته قدرت فروش رو اندازه گیری می کنیم و گاهی فشار فروش رو مانع از ورود به معامله می دونیم ولی توجه کنید که در اصل ما قدرت خریدار رو می سنجم نه قدرت فروشنده. فروشنده برای فروش سهم یا دارایی خودش هزاران دلیل می تونه داشته باشه. یکی می خواد ازدواج کنه، یکی سرمایه گذاری بهتری سراغ داره، یکی ترسیده، یکی تحلیل فاند کرده و نتیجه گرفته باید بفروشه و ... خوب ما از کجا می تونیم ذهن فروشنده رو بخونیم؟ آیا هرگز قادریم زبان مشترکی با فروشنده داشته باشیم تا قدرتش رو اندازه بگیریم؟ قطعاً خیر چون بازار یک بازار کثیر الاطرافه یعنی افرادی زیادی با ذهنیات کاملاً متنوعی روبروی ما نشستند و می فروشنند. اما آیا خریداران می تونند زبان مشترکی داشته باشند؟ قطعاً و حتماً بله. خریدار می خره تا سود کنه. این مهمترین زبان مشترک خریداران است. پس در بازار چیزی که مهمه خریداره نه فروشنده. یادمه پکویر چند ماه پیش روی 160 تا 170 نوسان می کرد. یک روز خرس بزرگ وارد شد و فروخت و از 170 تا 155 سنگین فروش می زد. در نگاه اول قدرت فروش زیاد بود. ولی وقتی در برابر این خرس می شد گاوهایی رو دید که همچنان می خرنند این اولین سیگنال بود که اهمیت قدرت خریدار رو نشون می داد. 2 روز نکشید که پکویر حرکت کرد و تا امروز که حدود 10 برابر شده صعود کرد. فشار فروش زمانی اهمیت پیدا می کنه که خریدار وجود نداشته باشه. در فلسفه بحث وجود و عدم داریم. عدم عدمه و در نبود وجود معنا پیدا می کنه. مثلاً بی رنگ یعنی چه؟ وقتی جایی رنگ نداره بی رنگه. فروشنده هم فقط و فقط در نبود خریدار اهمیت پیدا می کنه نه بطور ذاتی.

برای سنجش قدرت خریدار از طریق کندل ها ابتدا به نقطه باز و بسته شدن کندل نگاه کنیم. همین که کلوز بالاتر از این باشه کافیه. حالا اگر بدنه کندل هر چه بزرگتر باشه قدرت بیشتر رو نشون می ده .

شاخک ها رو جدی بگیرید. گرچه گاهی نویز شاخک ها فریبنده است ولی خیلی از اوقات این شاخک ها خبرهای خوب یا بدی دارند. مثلا در یک روند نزولی یا اصلاحی وقتی دو یا سه کندل (فرقی نمی کنه نزولی یا صعودی) داریم که دارای شاخک های بزرگی است و این شاخک ها تا لو کندل قبلی رفته اند اینها همیشه سیگنال های خوب هستند. یعنی خریدار خوبی وجود داره ولی هنوز بسیج نیرو نکرده. روزهای بعدی منتظر اتفاق خوب باشید. علاوه بر اون کندل ها رو با کندل های قبلی مقایسه کنید. صرف پایین تر بودن کلوز از این به معنای بیریش بودن نیست .

در بحث کندل ها و ایچی: کراس کندل ها و میانگین ها همیشه نوید خبر خوب یا بد می ده. فرض کنید کیجنسن یک مقاومت در برابر کندل ها است و اکنون کندل ما داره از این مقاومت عبور می کنه. برای تعیین اینکه این مقاومت شکسته شده چه باید کرد؟

اگر هم بخواهیم صبر کنیم که روزهای بعد بیاد ممکنه فرصت هایی از دست بره. اگر به صرف عبور کندل از مقاومت و کلوز بالای مقاومت بخواهیم وارد شویم باز هم ممکنه ما با یک شکست نامعتبر روبرو باشیم و کندل بعدی برگرده پایین مقاومت .

برای اولین تاییدیه به خود کندل نگاه کنید کجا باز شده؟ چه میزان از کندل از مقاومت عبور کرده؟ در نهایت کلوز کجاست؟ معمولا کندلی که همه سطوح قیمتی رو طی کرده و در نهایت مثلا بولیش بوده اعتبار بسیار بیشتری از کندلی داره که با سرعت به نقطه نهایی رسیده. مثلا کندل ها در بازه 100 تا 120 می تونند حرکت کنند. اگر این ما 110 بود و تا 120 تک تک قیمت ها رو عبور کرد (یعنی 111-112-113 و ...) اینجا می دونیم که قدرت خریدار یک قدرت مداومه و نه هیجانی. اگر کندلی داشتیم که از نقطه ای در پایین مقاومت حرکت کرده و مسیر طولانی رو طی کرده و در نهایت از مقاومت عبور کرده ولی بخش زیادی از این کندل در مسیر زیر مقاومت قرار داره نباید خیلی به این شکست اعتبار بدیم مخصوصا در بورس. چراکه عده ای هستند همیشه دیلی دارند و بعد از قیمت تازه به قیمت فکر می کنند. اینجا هنوز گاوها با همه خرس ها درگیر نشده اند. پس برای شکست کندل باید بخش زیادی از بدنه کندل بالای مقاومت قرار گرفته باشه. این کندل اگر شاخک بالایی نداشته باشه و یا شاخک کوچکی داشته باشه اعتبار شکست بیشتر می شه. با این حال هرگز با یک کندل نباید برای شکست ح/م تاییدیه گرفت . در ورود کندل ها به کومو این خیلی مهمه که اگر یک کومو ضخیم و ظویل الزمان داریم کندل ها چندبار این کومو رو تست کرده باشند. در کومو نفوذ کنند بعد خرس ها فشار بیان بعد گاوها

پیش برن و... یعنی درگیری چند باره تا در نهایت کندل ها موفق به ورود قدرتمند به داخل کومو بشن. اینجا بازی کندل ها با کومو معناداره و نشون می ده خریدار خوبی در کمین نشسته. هر چه دفعات نفوذ به درون کومو بیشتر باشه بیشتر بیانگر اینه که خریدار خوبی این منطقه رو برای ورود مناسب می دونند .

برای عبور کندل ها از کومو ابتدا صبر کنید کندل ها در جایی قرار بگیرند که کومو مثل ابر بالای سرشون باشه. ورودهایی که از کنار کومو (سمت چپ به راست) صورت می گیره اغلب ورود هیجانی و ناموفقه مگر اینکه اتفاق بنیادی مهمی رخ داده باشه یا کومو باریک باشه. این کندل ها که از کنار وارد کومو می شونند رو همیشه کندل گوسفندان بدونید مگر اینکه خلافش ثابت بشه! مثلا در یک موج نزولی ناگهان یک روند معکوس شکل می گیره و بدون کف سازی و صرف زمان در محدوده قیمتی لوست لو، کندل ها بطور صعودی (نه سایدوی) بسوی بالا و بطرف راست حرکت می کنند. اینها به کومو می رسند و وارد کومو می شن. اینجا آلامر نزول بصدا در میاد و با اولین نشانه ریورس باید خارج شد. در واقع اینجا فریب نوسان گیران رو نباید خورد .

بهترین ورود به کومو ورودیه که با کندل های قوی (ماربوزو) صورت گرفته باشه و در ادامه، کندل های بعدی در درون کومو بصورت نوسانی حرکت کرده باشند. این به این معناست که زد و خورد بین خریدار و فروشنده واقعی است ولی خریدار قدرتمندتر و البته حرفه ای تره. چرا حرفه ای؟ خریدار حرفه ای (بازیگر) معمولا بازی رو دست خودش می گیره و چون بازی دست خودش وقتیه با خرس ها روبرو می شه و هجوم اونها رو می بینه سعی می کنه کمی عقب بکشه تا اونها در قیمت های پایین تری فروش بزنند. این باعث می شه قدرت فروش متراکم نشه (مثلا فروشنده ها موقتا منصرف بشن و بالاتر با تجمیع فروشنده ها قدرت بیشتری داشته باشند). یعنی اجازه نوسان شدید نمی ده و با نوسان های یک یا دو کندلی قدرت فروش رو مستحیل می کنه . شاخک کندل ها هزار نکته باریک تر از مو دارند. وقتی با هجوم کندل ها به میانگین یا کومو در آخر بازار می بنیم که شاخک ها به مقاومت نفوذ کرده اند و بدنه زیر مقاومت این خبر بدی می ده. یعنی فروشنده ها در کمین نشسته اند و شاخ گاوها رو یکی یکی می شکنند. برعکس وقتی کندل بالای مقاومت ولی شاخک زیر مقاومت این نشانه خوبیه یعنی خریدار در جبهه دوم حمایت خوبی می کنه و علیرغم فشار فروش در نهایت این گاوها هستند که خرس ها رو از بین بردند . یک کندل بسیار خوب اغلب در بازارهای مختلف ایران وجود داره و بیشتر اوقات جواب می ده کندلی است که در روند نزولی شدید می بینیم. اسم این رو بگذاریم کندل بزفروشان! این کندل اتفاقا نشون می ده چقدر بازار ایران رفتارهای بی فکر و تحلیله. کندل بزفروشان کندلیه که در روند نزولی ظاهر می شه و با فاصله قیمتی نسبتا قابل توجه ای نسبت به لو کندل قبلی باز

می شه. یعنی بین این کندل امروز و لو کندل دیروز یک گپ خوب است. فاصله قابل توجه در بورس که محدود 4 درصدی داره یک معنا می ده (مثلا 1.5 یا بیش از آن) و در بازارهای مثل دلار و سکه معنای دیگری. وقتی کندلی با این گپ باز شد و های این کندل از لو کندل قبلی بالاتر رفت و مخصوصا اگر های این کندل از کلوز قبلی بالاتر بود بدونید نزول متوقف شده. اگر این کندل بولیش بود و بدنه بلندی داشت بدونید رویروس معکوس رخ داده یعنی نزول به صعود تبدیل شده ولی اگر کندل ضعیفی بود مثلا شاخک بلندی داشت فعلا فقط روند نزولی بطور موقت ضعیف شده و باید منتظر روزهای بعدی بود. اغلب اوقات چنین کندل هایی در بورس و در روند نزولی یا اصلاحی داریم. این نشانه قدرت خریداره که وقتی می بینه بزفروشان همچنان در بازار هستند فعلا دست از خرید می کشه. پس اگر دیدید تکرار شده و یا با گپ کمتری ظاهر شده بدونید همون حوالی روند نزولی پایان خواهد یافت.

اسامی کندل ها رو فراموش کنید. همه بازی رو در این, کلوز, شاخک ها و نسبت کندل با کندل قبلی ببینید و تفسیر کنید .

## هیکن آشی

یک راه بهتر برای این منظور استفاده از کندل های هیکن آشی است (اگر دنبال این کندل ها برای پلترفرمتون هستید این عبارت رو در گوگل سرچ کنید و نام پلترفرم رو بنویسید مثلا Heikin Ashi mt4 که ابزار مربوطه برای متاتریدر 4 رو می ده و...)

کندل های هیکن آشی خیلی جالب و دوست داشتنی هستند. شما حتی می تونید از این کندل ها به تنهایی برای تحلیل چارت استفاده کنید و به هیچ ابزار تکنیکالی دیگری نیاز نداشته باشید. ولی استفاده همزمان اونها با ایچی بسیار مفیده .

فرمول کندل های هیکی آشی

قیمت باز شدن کندل (این) = (این دیروز + کلوز دیروز) تقسیم بر 2

قیمت بسته شدن کندل (کلوز) = (این امروز + کلوز امروز + لو امروز + های امروز) تقسیم بر 4

های کندل = های امروز

لو کندل = لو امروز

خیلی از اوقات کندل ها بالاتر از کندل دیروز باز می شن ولی چون کلوز زیر این است ما این رو کندل بیریش می بینیم ولی وقتی با دیروز مقایسه می کنیم می بینیم اتفاقا بولیش است. هیکی آشی به ما کمک می کنه این نو کژتابی ها رو رفع کنیم .

کندل های هیکی آشی خودشون سیگنال خرید و فروش هم می دن. فرض کنید چندین کندل نزولی داشتید ولی کندل آخر شما دارای بدنه کوچک و شاخک های بزرگ در دو طرفه. این نشانه ای که تعادل قدرت وجود داره پس قدرت فروشنده کم شده .

بدنه بلند کندل ها به هر رنگی که باشه معمولا نشانه شدت روند در همان جهت (معمولا نزولی قرمز و صعودی سبز)

شاخک بلند در بالای کندل که معمولا در کندل بولیش دیده می شه نشانه کاهش قدرت صعودی است .

شاخک بلند در پایین کندل که معمولا در کندل بیریش دیده می شه نشانه کاهش قدرت نزولیه .

کندلی با شاخک در بالا و پایین نشانه برابری قواست. کندل شاخک دار بالایی و پایینی معمولا یکی از نشانه های پایان رونده.

اندازه کندل نسبت به کندل قبلی هم مهمه. فرض کنید در روند صعودی هستید و کندل امروز هم صعودیه ولی بدنه این کندل در محدود بدنه کندل قبلیه و نه بالاتر از اون که این نشانه کاهش قدرت خریدار یا کاهش شدت رونده (و برعکس این قضیه در روند نزولی هم صادقه .)

تغییر رنگ کندل ها اولین نشانه رویرسه. این تغییر معمولا در کندل های شاخک دار رخ می ده. می تونید از این کندل ها مثل کندل های معمولی برای هر منظوری مانند خط روند و ... استفاده کنید.



## ایچی به مثابه یک سیستم

خلاصه بحث:

ایچیموکو دارای سه بعد است: **قیمت، امواج و زمان.**

**بعد اول** بعد **قیمت** است که در میانگین ها نمود داره. سه میانگین 9 دوره ای (تنکنسن)، 26 دوره ای (کیجنسن) و 52 دوره ای با هم ترکیب می شوند و چارت رو در معرض تفسیر می گذارند. میانگین ها در ایچی از طریق جمع کردن بالاترین قیمت (هایست های) و پایین ترین قیمت (لوست لو) و تقسیم این دو بر 2 بدست میاد. علاوه بر این دو میانگین دو نوع میانگین دیگر هم وجود داره که در قالب ابر یا کومو نمایش داده می شه که همواره 26 دوره به جلو شیفت داده می شه. کومو در واقع حدفاصل دو نوع میانگین است، یکی میانگین میان مدت یا Span A (که حاصل جمع تنکنسن و کیجنسن و در نهایت تقسیم بر 2 است) و دیگری میانگین بلندمدت یا Span B است. علاوه بر این میانگین ها یک عنصر دیگر هم داریم بنام چیکو اسپن. چیکو همان قیمت آخر یک کندل است که بر خلاف ابرها 26 دوره به عقب شیفت داده می شود.

**بعد دوم** بعد **امواج** است. ساده ترین شکل موج یک حرکت صعودی یا نزولی است که بصورت I به طرف بالا یا پایین حرکت می کند. با ترکیب I با یک I دیگر یک موج V ساخته می شود (در روند نزولی شبیه 8 فارسی است و در روند صعودی شبیه 7 فارسی). با ترکیب یک V با یک I شاهد موج N هستیم. در این موج که در اصل متشکل از سه I است I دوم می تواند کوتاه تر باشد. در موج دیگر هم داریم که بعد از یک I یا یک روند صعودی (نزولی) ظاهر می شود. در این موج شاهد یک روند سایدوی (نوسانات مکرر در یک بازه قیمتی) هستیم.

بعد دوم علاوه بر امواج دارای **اهداف قیمتی** هم هست که (تنها) برای هر موج N 4 نوع تارگت قیمتی معرفی کنه. بزرگترین تارگت قیمتی شبیه  $AB=CD$  است. **بعد سوم** به مباحث **تحلیل زمانی** مربوطه و ما رو از کندل تغییر یا زمان ریورس آگاه می کنه. چهار نوع تحلیل زمانی وجود داره که بر اساس اعداد پایه ای (9-17-26-33-42-52-65-78 و..) می تونیم احتمال تغییر جهت کندل ها رو بدیم.

همینطور که می بینیم ایچی به بسیاری از ابعاد چارت توجه داره. ولی از یکی از مهمترین ابعاد چارت یعنی **حجم** معاملات چیزی نمی گه. خودم مدت زیادیه که روی بحث حجم در ایچی هم مطالعه می کنم که فعلا نکته قابل عرضی ندارم. فقط می تونم بگم در نقاط مهم ایچی همون

قواعد حجم در تحلیل تکنیکی رو مد نظر داشته باشید. اگر در اهداف قیمتی و یا در تارگت های زمانی حجم معاملات تغییر کرد باید این تغییر حجم رو تفسیر کرد .  
برای مثال اگر تارگت E با حجم بالایی شکست و رپورسی رخ نداد باید انتظار حرکت به تارگت قیمتی E2 رو داشته باشیم. در مقابل اگر بعد از تارگت ها مخصوصا E حجم معاملات بالا رفت و کندل ها میل نزولی داشتند باید انتظار نزول تا محدوده پرایس تارگت قبلی رو داشت. هنوز بحث حجم کار بیشتری می طلبه و از دوستانی که مطالعه می کنند می خوام که این مساله رو هم وارد تحلیل کنند و نتایجی که می گیرند و به اشتراک بزارن .

### چارت ست آپ

برای یک تحلیل کامل ایچیموکویی باید همه ابعاد ایچی رو وارد تحلیل کرد. اگر به ایچیموکویی متعارف یعنی همان میانگین ها و ابرها نگاه کنیم فقط یک نگاه کلی از وضعیت روند به ما می دهد ولی برای یک ترید موفق علاوه بر آگاهی از روند باید نقطه ورود و خروج مناسب رو بدست بیاریم. برای این کار می تونیم به سیگنال های ایچی توجه کنیم و منتظر سیگنال باشیم اما مساله مهم اینه که سیگنال های ایچی مثل اغلب سیگنال ها تحلیل تکنیکی دارای تاخیره و یا می تونه بسرعت فیل بشه. قوی ترین سیگنال ایچی برای خرید از طریق کراس روبه بالای تکنسن با کیجنسن در بالای کومو صادر می شه (گلدن سیگنال) و برای فروش از طریق کراس رو به پایین تکنسن و کیجنسن در زیر کومو صادر می شه (دد سیگنال). اما اغلب اوقات این سیگنال زمانی صادر می شه که بخشی از صعود یا نزول رخ داده. برای **ورود بموقع** چه باید کرد؟

اگر فقط در قالب ایچی بخواهیم عمل کنیم برای ورود به موقع باید درجه ریسک خودمون رو تعیین کنیم. همیشه شنیدیم که ریسک و ریوارد رابطه دارند. هرچه ریسک بیشتر باشه ریوارد یا سود هم بیشتر می شه (و در دل ریسک می دونیم که لوز یا ضرر هم بیشتر می شه). برخی از تریدرها برای اینکه از بخش بیشتری از یک روند صعودی سود ببرند با پذیرش ریسک موجود سعی می کنند از سیگنال های خفیف ایچی استفاده کنند و با این سیگنال ها وارد پوزیشن خرید (یا فروش) شوند. مثلا برای این ها فقط یک کراس قیمت با تکنسن کافیه که وارد معامله شوند. طبیعیه که این نوع معامله نیازمند شناخت بیشتری نسبت به چارت و موضوع معامله است. برای مثال شما از وضعیت بنیادی یک سهم اطلاع دارید و می دونید که در آینده نزدیک اتفاق خوبی در این سهم رخ می ده اینجا با یک سیگنال خفیف وارد می شید. یا شما در شناخت کندل ها و یا مثلا پیوت های مینور و ماجور تجربه دارید و یا با استفاده از خط روند و یا فیبو و یا چنگال معتقدید نقطه ورود همین حوالی است و فقط منتظر یک سیگنال خفیف هستید.

این نوع ورود به معامله علاوه بر شناخت تکنیکی نیازمند سرعت عمل هم هست. یعنی وقتی دیدید که ورود شما اشتباه بوده بسرعت و با زیان کم خارج می شوید . اما برای ورود مطمئن چه باید کرد؟ در قالب بحث چارت ست آپ سعی می کنم شیوه مناسبی برای ورود به پوزیشن خرید (یا فروش) رو معرفی کنیم. در قالب تحلیل زنده انس سعی می کنم یک روش مناسب رو توضیح بدم. البته در همین ابتدا باید تاکید کنم این روش ممکنه در بازار بورس کمی متفاوت باشه که سعی می کنم تفاوت ها رو هم مشخص کنم. ابتدا در تایم روزانه در چارت خام می بینیم که کندل ها به یک خط روند بلندمدت برخورد کردند و برگشتند .

برای شروع در تایم 4 ساعته انس و در یک چارت خام ابتدا موج ها رو مشخص می کنیم. در انس می بینیم که 1180 به عنوان یک کف مهم یا لوست لو اخیر ما است. پس نقطه شروع تحلیل رو همین نقطه قرار می دیم. وقتی به امواج نگاه می کنیم می بینم سه نوع موج N قابل شناسایی است. اولی که با رنگ سبز دیده می شه یک موج N نسبتا بلند مدت است. دومین N که با رنگ آبی فیروزه ای است یک موج ابتدایی در سومین موج N بزرگ است و در نهایت سومین N که به رنگ صورتی است یک موج جدید است .

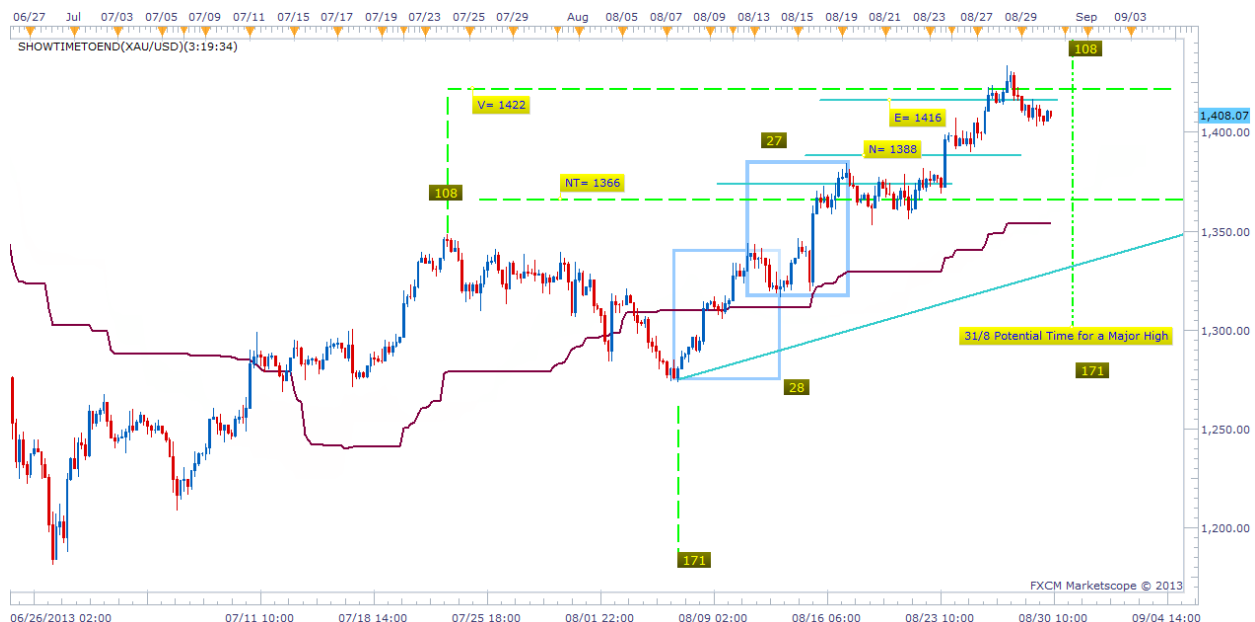


حالا سعی می کنیم پرایس تارگت رو مشخص می کنیم و همینطور نگاه می کنیم بینیم آیا می

تونیم تحلیل زمانی داشته باشیم؟  
 برای موج N بزرگ دو تارگت در این محدوده داریم  
 $NT = 1366$  &  $V = 1422$

درباره زمان هم می بینیم مهمترین نکته ای که اکنون از N بزرگ برد ما می خوره اینه که I اول این موج طی 108 کندل ساخته شده. 108 از اعداد پایه ای ما نبود (بعد از 76 تا 126 رو داریم). پس احتمالا باید منتظر باشیم تا احتمالا طبق قاعده تحلیل بر مبنای اعداد برابر، سومین I در موج N بزرگ طی 108 کندل ساخته بشه. یک نوع دیگر شمارش هم داریم که در چارت قبلی از انس گذاشتم و اون شمارش از لو به لو رو عدد 171 رو نشون می ده. جالبه که هر دوی این تحلیل‌های زمانی تاریخ 8/31 رو به عنوان نقطه ریورس مشخص می کنند. یعنی کندل آخرین امشب یا کندل های ابتدایی دو شنبه (31 اگوست فرداست که بازار تعطیله).

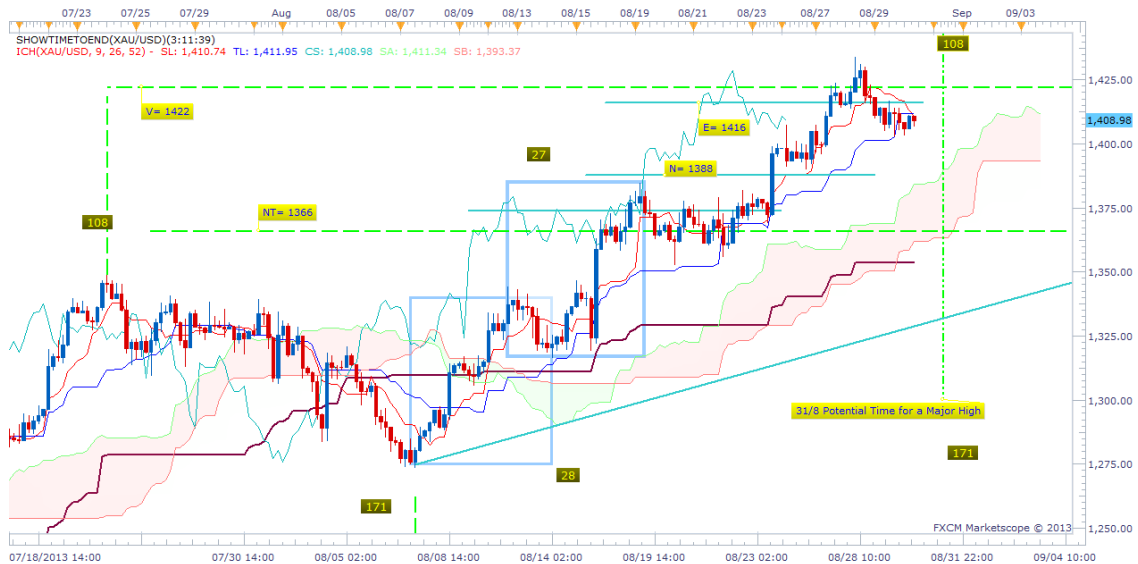
در موج N دوم یا آبی رنگ که اولین موج در I سوم N بزرگ است هم می تونیم نکته جالبی ببینیم. می بینیم که دو I اول و آخر این N طی 27 و 28 کندل ساخته شده. حالا تارگت های این موج رو بررسی می کنیم. فقط تارگت N و E رو مشخص می کنم تا چارت شلوغ نشه. می بینیم که 1416 تارگت E این موج N اخیر است که تقریبا کنار تارگت V موج N بزرگ قرار داره. همین مقدار تحلیل برای ما کافیه و چارت رو شلوغتر نمی کنیم.



حالا ایچی رو روی چارت می اندازیم.

اولین چیزی که می بینیم کراس تنکن و کیچنه که خبر از نزول می ده. اما چون بالای ابر است این سیگنال ضعیفه. اما وقتی به میانگین 103 نگاه می کنیم می بینیم که رفته زیر ابر. پس اگر وضعیت صعودی بشه اما و اگر زیاد داره. ولی چیکو به ما می گه که اگر نزول بیشتر داشته باشیم به خاطر کندل هایی که زیر چیکو هستند ممکنه حمایتی داشته باشیم. ابرها چی؟ می بینیم که اسپن بی صاف شده و اسپن ای داره نزول می کنه پس یک سیگنال نزولی دیگه هم داریم.

اما نکته ای که در این چارت وجود داره خود کراس تنکن و کیچنه. این کراس یک کراس نزولیه ولی اینجا می بینیم که بالای کف صورت گرفته. یعنی کراس ما همراه با روند شدید نزولی نبوده بلکه نزول اتفاق افتاده و سپس کندل ها متوقف شدند و کمی بالا اومدند و بعد کراس داریم. این نکته هم این کراس رو ضعیف جلوه می ده. ولی می بینیم که کندل ها زیر تنکن و کیچن قرار دارند و این وضع رو برای صعود بیشتر دشوار می کنه .  
ما فعلا با موج N آخر که به رنگ صورتی بود کاری نداریم چراکه روند کوتاه مدت ما بر خلاف این موج است.

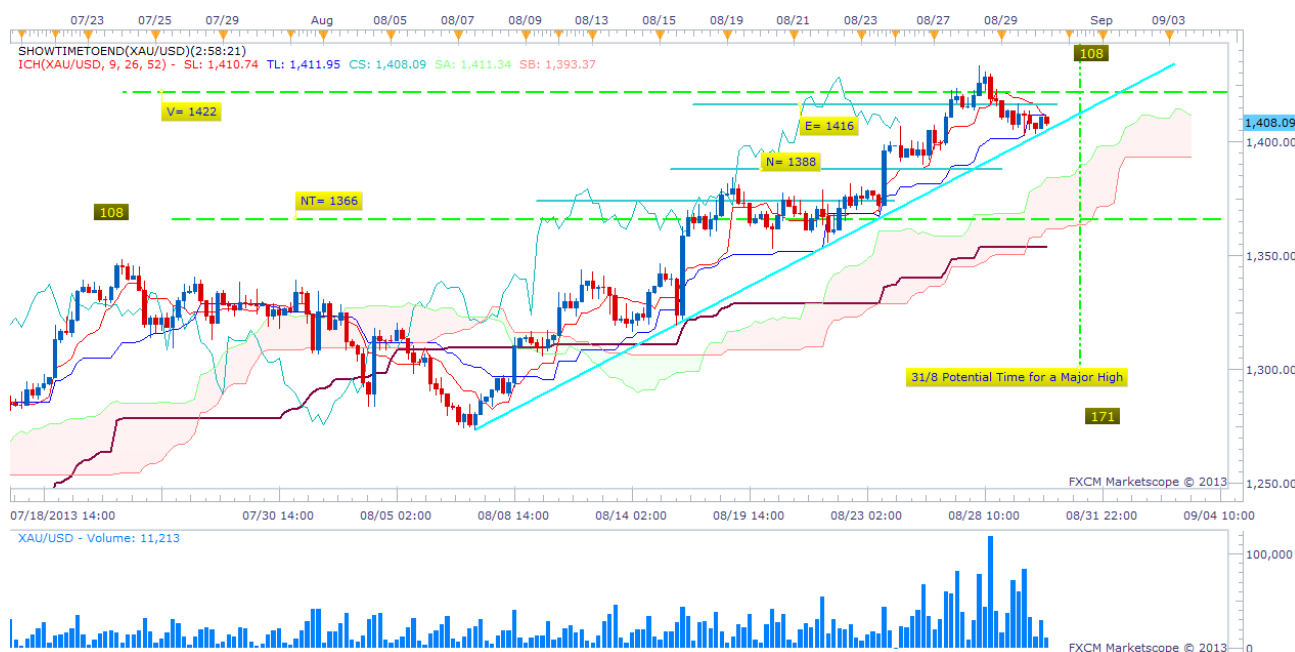


خب حالا باید وارد معامله بشیم یا نه؟

انتظار داریم طی چندل کندل بعدی اتفاق مهمی در چارت رخ بده. موج N اخیر ما به تارگت چهارم خودش رسیده و می بینیم نتونسته دوام بیااره. اینجا تارگت دوم موج بزرگتر هم بوده. پس محدوده مقاومتی قوی می تونه باشه. اولین کاری که می کنیم اینه که نگاهی به حجم می کنیم. می

بینیم که بعد از قله ما و ریزش کندل ها حجم معاملات بشدت بالا رفته. این نشانه خوبی نیست. خب حالا یک خط روند هم می کشیم (بهبتره خط رو با بادی کندل ها تنظیم کنیم). بله. کندل ها بالای یک خط روند کاملا معتبر قرار دارند.

علاوه بر این ها یک نکته غیر ایچیموکویی بسیار مهم وجود داره که می تونیم سوینگ آخر بنامیمش. این رو در انتهای بحث جداگانه مطرح می کنم که بحث پیچیده نشه. این سوینگ آخر برای من یک هشداره که حمایت شکسته شده اون می تونه یک مقاومت بسیار سخت باشه. مخصوصا که می بینیم در همان محدوده ما تارگت E رو هم داریم که باز هم یک مقاومتیه. همه اینها به من هشدار می ده برای ورود فعلا منتظر باش. (نکته دیگری هم بنام حدود اسپن ای هست که بخاطر پیچیده نشدن بحث فعلا مطرح نمی کنم ولی در این جور مواقع تا زمانی که اسپن ای بالاترین کندل زیر کندل ها باشه می تونیم امید به صعود بیشتر داشته باشیم.)



فرضیه اول می تونه این باشه: طی چندل کندل بعدی (محدوده کندل 108) یک های جدید شکل می گیره.

فرضیه دوم: طی چندل بعدی روند چارت تغییر اساسی می کنه و از وضعیت صعودی به نزولی تغییر می کنه

اگر وضعیت نزولی بشه انتظار دارم تا تارگت اول N بزرگ یعنی 1366 نزول کنه و این تارگت به عنوان یک محدوده حمایتی عمل کنه .

از کلیت چارت برآورد من اینه که یک نزول خوب خواهیم داشت. به همین خاطر اینتری اردر سل رو می برم نزدیک 1426 می زارم با استاپ 1434.5 . 1426 رو با چیکو تنظیم کردم یعنی بالاترین نقطه چیکو که بالاترین کلوز ماست. تارگت رو هم 1365 می زارم که جای معناداری است. (البته در معامله واقعی بهتره بعد از تحلیل تایم 4 ساعته به تایم پایین تر بریم و اونجا نقطه دقیق ورود رو تعیین کنیم).

علت این کار اینه که الان برای صعود بیشتر انس چندین مقاومت داریم که فکر می کنم اگر کندل ها صعود کنند بادی کندل ها با احتمال بالا نمی تونه بالای این مقاومت ها تثبیت بشه. با این حال دومین کندلی که بادی زیر خط روند باشه عملا نشانه شروع ریزشه و برای ورود فکر دیگری می کنم.

نکته مهم غیر چارتی: اولاً بازارها همگی منتظر اخبار جنگ هستند پس این اخبار می تونه تعیین کننده باشه. ثانیاً توجه داشته باشید که امروز بوز آخر کندل ماهیانه و هفتگی است پس ممکنه این مساله در چارت تاثیر بگذاره .

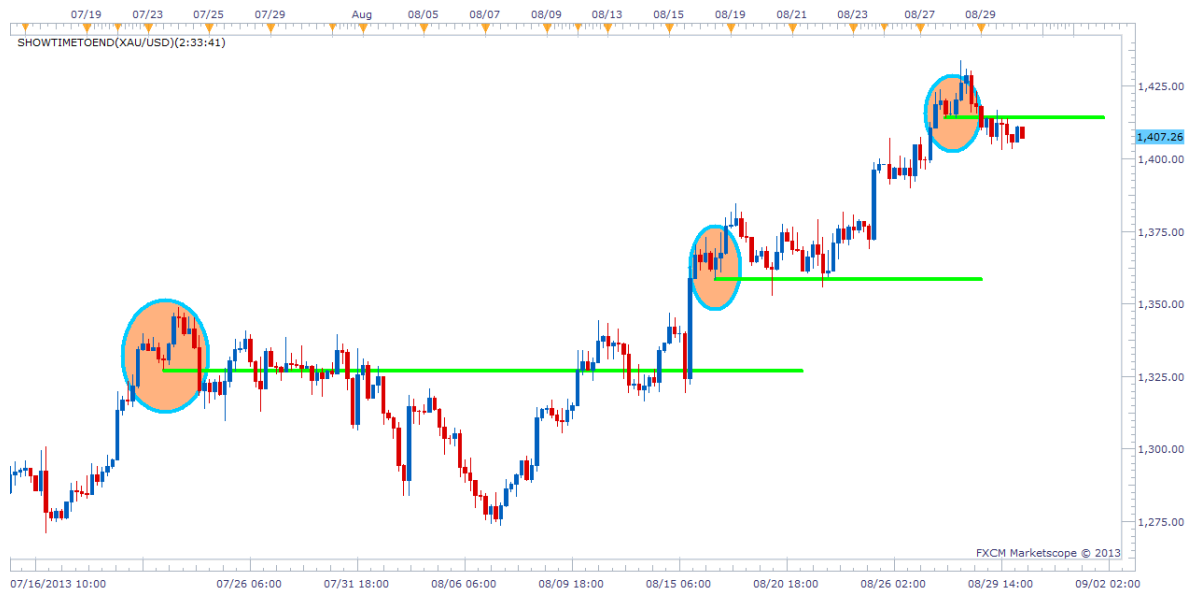
## سوینگ آخر

در انتهای هر موجی یا پس از اتمام هر موجی یک سوینگ آخر وجود داره که خیلی از اوقات باید به عنوان معیار ریزش در نظر گرفته بشه. در تصویر زیر سه مورد مشخص کردم. اولی وقتی شکسته شده به یک مقاومت بسیار مهم تبدیل شده. دومی شکسته نشده و آخری که در انتهای چارت هست ظاهراً شکسته شده. وقتی حمایت سوینگ آخر شکسته می شه باید انتظار اصلاح بیشتری داشته باشیم و برگشت کندل ها برای عبور از این نقطه همیشه کار دشواری است. می دونیم که حمایتی که می شکنه تبدیل به مقاومت می شه ولی درباره این سوینگ باید حمایت تبدیل شده به مقاومت رو خیلی جدی گرفت. این شکست با شکست های دیگر کاملاً متفاوته.

در مقابل، وقتی چنین حمایتی شکست و تبدیل به مقاومت شد و دوباره این مقاومت شکست ما دو نقطه ورود خواهیم داشت. اگر ریسک پذیری بیشتری دارید بعد از شکست این مقاومت وارد معامله شوید. اما شکست این مقاومت معمولاً فقط منتهی به حرکت کندل ها تا سقف می شه و دوباره اونجا تغییر داریم. پس اگر ریسک کمتری می پذیرید اجازه بدید قله شکسته بشه بعد وارد شوید .

بطور معکوس می تونیم این نقطه رو به عنوان یک معیار برای خروج در نظر بگیریم. یعنی با شکست این نقطه ی حمایتی بدون شک باید خروج کرد. این موضوع بویژه در بازار بورس کاملاً معتبره .



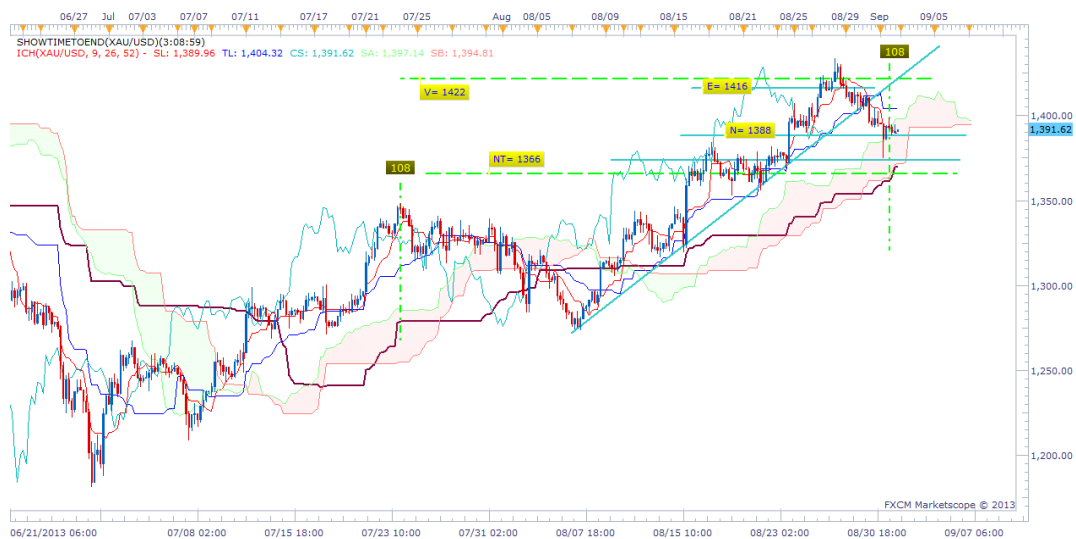


گاهی چنین سوينگی در انتهای صعود نداريم. در اين وضعیت چنين سوينگی رو بايد بعد از اصلاح پيدا کنيم. يعنی صعود ممتد داريم. بعد یک اصلاح کوچک و دوباره صعود اما اين بار کندل ها قبل از رسيدن به قله ريزش می کنند. اینجا بايد همين حرکت نارس و ناقص رو مبنا قرار بديم.

پ.ن

این تحلیل رو امشب یا دوشنبه آپدیت می کنم  
این تذکر رو بدم که این مراحل رو فقط بخاطر مرور مباحث ایچی اینجا اوردم و خودم معمولاً این همه راه رو نمی رم! مخصوصاً در بورس برخی از این موارد کمتر مفید یا سودده است.  
کلیات بحث ایچی تمام شده و چند نکته کوچک وجود داره مخصوصاً کاربرد ایچی در بورس که بعداً درباره اون می نویسم.

تحلیل زمانی فیل شد ولی می بینیم که ایچی درباره نزول دروغ نگفت و نکته جالب واکنش به تارگت ها بعد از نزوله.



## نکته

### ادامه تحلیل چارت انس طلای جهانی

در تحلیل قبلی یکی از فرضیات ما این بود که انس تغییر روند می ده و نزولی می شه و تا 1366 نزول می کنه. در تصویر زیر می بینیم که انس تا 1365.50 نزول کرده و فعلا در همین محدوده قرار داره. اینجا در واقع اولین تارگت N بزرگ صعودی بود که بعد از اینکه کندل ها به دومین تارگت رسیدن برگشت زدند و در این نقطه متوقف شدند. حالا نکته ای که وجود داره تولد یک N جدید که احتمالا در این وضعیت این سوال بوجود میاد که کدام N رو باید تحلیل کنیم. علاوه بر این نکته ای که در بحث های قبلی با صراحت کمتری مطرح شد چگونگی بکاربردن همزمان تحلیل میانگین ها و زمان و امواجه .

طبیعیه که وقتی تحلیل زمانی و یا امواج می کنیم و تارگت رو مشخص می کنیم باید بینیم کومو و میانگین ها اجازه رسیدن به تارگت ها رو می ده یا نه و روند کلی ما با تحلیل زمانی و امواج ما متناسب است یا نه؟ چارت فعلی انس یک مثال بسیار خوب برای این بحثه.

4H



در تایم چهار ساعته که در تصویر بالا می بینیم روند انس تغییر کرده و نزولی شده. کومو نزولی، تکن و کیجن گارد نزولی و قیمت و میانگین ها زیر کومو قرار دارند. بنابراین اولین مساله اینه که در تایم چهار ساعته کاری به N بزرگ (سبز) نداریم و این موج فعلا اهمیتی برای ما نداره. اما می

بینیم که کندلها هنوز بالای 1366 قرار دارند. 1366 اولین تارگت موج N بزرگ است. پس برای اینکه روند کلی تر رو ارزیابی کنیم باید یگ تایم بالاتر رو نگاه کنیم یعنی تایم روزانه.

daily



در تایم روزانه می بینیم که هنوز روند ما صعودیه گرچه اولین سیگنال های نزول صادر شده و کندل ها میان تنکن و کیجن قرار دارند. بعلاوه کومو هم ضخامت زیادی داره که نشانه فقدان شتاب در روند صعودی است. دقت کنیم می بینیم که اسپن ای شروع به حرکت بطرف پایین کرده. در این وضعیت تا زمانی که کندل ها بالای 1366 قرار دارند احتمال تداوم موج N صعودی برای رسیدن به سومین و چهارمین تارگت وجود داره. با این حال دو نکته هشدار دهنده وجود داره. یکی تغییر روند در تایم پایین تر که می تونه مقدمه تغییر روند در روزانه بشه و دیگری کومو باریکی است که زیر کندل ها هست. کندل ها همیشه علاقه دارند کوموی باریک رو سوراخ کنند. بنابراین احتمال یک روند پرشتاب نزولی وجود داره. مسال مهم تر اینه که اگر ریزش ادامه داشته باشه تقریبا هیچ حمایت ایچیموکویی در این نزدیکی ها وجود نداره که این در واقع امکان تحقق موج N نزولی رو بیشتر تقویت می کنه. حالا در تایم 4 ساعته می بینیم که پایه اول موج N نزولی طی 17 کندل ساخته شده و ما الان در دوازدهمین کندل پایه سوم N قرار داریم . همه اینها به ما هشدار می دن که میانگین ها - امواج و زمان همگی در جهت نزول بیشتر

هماهنگ هستند و پیشروی N نزولی می تونه با دشواری کمتری رخ بده. شرط این نزول در درجه اول شکست 1366 و سپس خط روند است. تارگت های فعلی 1354 - 1333 و 1315 است.

